

عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

حسن اسماعیل‌زاده* - استادیار گروه برنامه‌ریزی و طراحی محیط، دانشگاه شهید بهشتی
شمسی صالح‌پور- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی
زری قاسمیان- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی
ابوذر مظاهری- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲ تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰

چکیده

رشد نظام سرمایه‌داری به تولید فضاهای سودمحور و ناسازگار با محیط‌زیست منجر شده است. این وضعیت در محدوده‌های پیرامون شهر ارومیه، به‌طور برجسته مشاهده می‌شود. در پژوهش حاضر، روند تولید فضا و عوامل مؤثر بر آن در فضاهای پیرامون شهر ارومیه، در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ ارزیابی شده است. این پژوهش به لحاظ نوع، کاربردی بوده و از نظر روش در گروه پژوهش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) قرار دارد. برای گردآوری اطلاعات از تصاویر ماهواره‌ای و مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش کمی و کیفی، با نرم‌افزارهای ArcGIS، ENVI و رویکرد تئوری بنیانی صورت گرفت. مشارکت‌کنندگان پژوهش در بخش کیفی شامل کارشناسان سازمان‌های مرتبط در امور شهری و روستایی (اعم از شهرداری، سازمان راه و شهرسازی، اداره کل منابع طبیعی، سازمان جهاد کشاورزی، استانداری، فرمانداری و...) بوده و روش نمونه‌گیری آن به صورت غیر تصادفی است. در مرحله اول پژوهش، فضاهای تولیدشده در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ در پنج کلاس مسکونی، صنعتی، سبز، فضاهای خالی و بایر و ارتباطی طبقه بندی شدند. مطابق نتایج، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ حجم فضاهای سبز (۳۷/۷۳۰ درصد) و فضاهای خالی و بایر (۳۴/۰۳۱ درصد) روندی کاهشی داشته و در مقابل، بر میزان فضاهای مسکونی (۲۴/۴۴۸ درصد)، صنعتی (۳/۷۸۷ درصد) و شبکه‌های ارتباطی (۰/۰۱۴۸ درصد) افزوده شده است. این وضعیت، روندی ناپایدار را در اکوسیستم منطقه نشان می‌دهد. در نتایج تحلیل کیفی، مؤلفه‌های نظام سرمایه‌داری، تنوع اقتصادی، حاشیه‌نشینی، سیاست‌های نوسازی، مدیریت ناکارآمد و ضعف قوانین به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری مشخص شدند. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش، گرایش‌های سوداگرانه و رانت‌جویانه را در نواحی پیراشهری نشان داد.

کلیدواژه‌ها: ارومیه، اقتصاد سیاسی فضا، تولید فضا، فضا، نواحی پیراشهری.

مقدمه

جوامع محلی (شهری و روستایی) روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شوند. این گونه پیچیدگی در تنوع‌پذیری الگوهای فعالیت‌های انسانی و جابه‌جایی افراد، خانوارها و نهادها به‌خوبی قابل‌ردیابی است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۴). فعالیت‌های انسانی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن، به هدفی معین معطوف‌اند. این فعالیت‌ها بقای جامعه را تضمین می‌کنند و تداوم‌بخش زندگی عمومی و اجتماعی مردمی هستند که به‌واسطه آن با هم تعامل دارند. بسیاری از فعالیت‌های انسانی خصلتی تبعادی دارند و به‌ضرورت در فضا نمود می‌یابند (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۴). موضوع فضا در رشته‌های گوناگون از جمله جغرافیا، اقتصاد، جامعه‌شناسی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی روستایی و... بررسی شده است. در این میان، برخورد آرای هریک از رشته‌ها، با چالش‌هایی متعدد همراه است. تحول معرفت‌شناسی مفهوم فضا، از دیدگاه‌ها و نگرش‌های صرف کالبدی تا نگرش‌هایی که بر جنبه‌های ارزشی مفهوم فضا تأکید دارند، شاهد چنین تحولی است. به عبارت دیگر، در بستر رویکردهایی نظیر رویکرد انتقادی، مسیر انتقال مفاهیمی مانند «قدرت در شهر» به‌وجود آمده و زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتبی از جمله اقتصاد سیاسی شده است. اقتصاد سیاسی در راستای تحول و تعمیم خود در بستر جامعه، رنگ فضا به خود گرفته و مکتب اقتصاد سیاسی فضا را بنیان نهاده است؛ مکتبی با مفهومی مارکسیستی که از اصول اقتصاد سیاسی رادیکال پیروی می‌کند، سرمایه‌داری را با اصول خود (سود و ارزش اضافی) در هسته تحلیل و انتقادات خود قرار می‌دهد و آن را عامل اصلی توصیف تحولات و سازمان فضایی نواحی پیرامون قلمداد می‌کند (افروغ، ۱۳۷۶). اقتصاد سیاسی دانشی میان‌رشته‌ای است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۶) که فضا را پدیده‌ای تولیدشده می‌داند و معتقد است که شکل‌گیری مناطق با نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه رابطه دارد؛ بنابراین، برای شناخت فضا لازم است فرایندهای اجتماعی به‌خوبی شناخته و تحلیل شوند. سیمای فضایی مکان، منعکس‌کننده روابط اجتماعی حاکم بر آن است (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۸). به‌نظر مانوئل کاستلز، تسلط نظام اقتصادی، اساس سازمان‌دهی فضایی است. فعالیت اقتصادی نیز سازمان‌دهی فضایی را برعهده دارد (افروغ، ۱۳۷۶). هیچ جامعه‌ای بدون فضایی که خود آن را سازمان می‌بخشد، وجود خارجی ندارد (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۸)؛ بنابراین، شناسایی نیروهای تولیدکننده فضا از ضرورت‌ها به‌شمار می‌رود.

اقتصاد سیاسی فضا در سده حاضر، در هرگونه تحلیل و نظریه‌پردازی در زمینه فضایی، به شالوده اقتصاد سیاسی توجه بیشتری دارد؛ زیرا از دیگر عوامل مهم‌تر است و بر مسائل مناطق شهری و روستایی حکم می‌کند؛ تا آنجا که اهمیت این معیار، از کارکردهای اجتماعی در ایجاد فضاهای پیراشهری بیشتر است. فضای پیراشهری بخشی از فضا است که یکدست نیست و از فضاهای زیستی با ویژگی‌های مختلف^۱، روستاها، فضاهای تولیدی-خدماتی و محیط طبیعی تشکیل می‌شود (دانشپور، ۱۳۸۵: ۶). فضای پیراشهری دربرگیرنده محدوده‌های ساخته‌شده، شبکه راه‌های ارتباطی، قرارگاه‌ها، مؤسسات صنعتی، بنگاه‌های ترابری، باغستان‌ها، مکان‌های ویژه سرگرمی و بازی، یعنی آن بخش از فضا است که در دسترس ساکنان نواحی پیراشهری قرار دارد (دلفوس، ۱۳۷۴: ۱۰۳). جغرافی‌دانان در تولید فضای پیراشهری، گذشته از کالبد و

۱. فضاهای زیستی که در آن‌ها ویژگی‌های شهری و روستایی در هم آمیخته‌اند.

فیزیک، برداشت‌ها، باورها، عقاید، ایدئولوژی‌ها، ویژگی‌های فرهنگی، سطح آگاهی و نیز شیوه اندیشیدن، نظام‌های فرهنگی و اقتصاد سیاسی را نقش آفرین می‌دانند (حاتمی‌نژاد و ناصح، ۱۳۸۶: ۱۹۸). در اثر این روند و رسوب سرمایه به نواحی پیراشهری به‌عنوان مکانی دارای مزیت اقتصادی، این محدوده به محل تمرکز سرمایه، امکانات و جمعیت تبدیل شده و زمینه تولید فضا را فراهم کرده است. این پدیده در نواحی پیراشهری، در اغلب موارد با تأثیرات شدید اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی همراه بوده است. تولید فضا در این نواحی به‌دلیل تحریک اساسی مهاجرت روستاشهری، زمینه دگرگونی در ساختار زراعی-روستایی، شهری شدن چشم‌انداز روستایی، تغییر در اقتصاد پایه، تغییر ناهماهنگ فضاهای کشاورزی به سایر فضاها، تغییر در ترکیب جمعیت و فعالیت، ایجاد منابع متعدد درآمدی، سوداگری زمین، و رانت فضایی برای دستیابی به سود بیشتر است که در بسیاری موارد، ناپایداری اجتماعی، فرهنگی و محیطی ایجاد می‌کند.

نگاهی گذرا به سیر تاریخی شهر ارومیه (واقع در شمال غرب ایران در منطقه آذربایجان غربی) نشان می‌دهد که تولید فضای پیراشهری در ارومیه، در نتیجه عواملی مانند گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، منابع متعدد درآمدی، نزدیکی به مرکز شهر، سوداگری زمین، دستیابی به سود بیشتر و... صورت گرفته است. این مسئله نه‌تنها با خلق فضاهای سکونت، صنعتی، خدماتی، ارتباطی و... به تمرکز سرمایه، فعالیت و جمعیت انجامیده، بلکه بستر فعالیت‌های سوداگرانه و فرهنگ رانت‌خواری را نیز ایجاد کرده است؛ بنابراین، در فرایند تولید فضا در نواحی پیراشهری، علاوه بر اینکه مؤلفه‌های سرمایه به‌سرعت در حال گردش است، خریدوفروش زمین و موضوع سود و سوداگری آن رنگ بیشتری به‌خود گرفته و سبب ناپایداری فضایی و افزایش روزافزون تراکم جمعیت، ایجاد منابع متعدد درآمدی، تغییر ناهماهنگ فضاها و کالایی شدن واحدهای سرزمینی شده است. این فرایند، درنهایت به پیدایش ناحیه‌ای ناهماهنگ با ترکیبی از ویژگی‌های روستایی-شهری به نام پیراشهری انجامیده است. به بیان مسؤلان محلی و منطقه‌ای شهرستان ارومیه، بیشترین تحولات فضایی-کالبدی این شهر طی چهارده سال گذشته، در نواحی پیراشهری در شعاع ۱۵ کیلومتری شهر صورت گرفته است. مطالعه حاضر با هدف اصلی بررسی روند تولید فضا در نواحی پیراشهری، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، فضاهای تولیدشده در شعاع ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه را طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۳ شناسایی می‌کند. سپس به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه عوامل و سازوکارهایی فضا را در نواحی پیراشهری تولید کرده‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

فضا در جغرافیا، یعنی فضایی قابل‌زیست یا اکومن که در آن، مقتضیات طبیعی، امکان سازمان‌بندی اجتماعی را فراهم می‌کند (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰: ۱۰). از دیدگاه پیر ژرژ، فضا داده‌ای نسبی است که از یک‌سو درباره رابطه آن با کل جامعه اندیشیده می‌شود و از سوی دیگر، به رابطه آن با گروه‌های مختلف اجتماعی توجه می‌شود. فضا به‌عنوان پایگاه و استقرار مکان‌یابی گروه انسان‌ها، به اشکال گوناگون مطرح می‌شود. هرچقدر اقتصاد جامعه‌ای در فضای جغرافیایی پیچیده‌تر باشد، رابطه آن با فضا دشوارتر است (Castelles, 1977: 236). با توجه به پیچیدگی مفهوم فضا، موضوع آن همواره از بحث‌های اصلی مجامع علمی است و مفهوم آن در طول تاریخ تفکر اجتماعی و در قالب مکاتب تئوری

کلاسیک و نو شکل گرفته است (نوربرگ شولتز، ۱۳۵۳: ۵۰). به بیان دیگر، فضا و چگونگی سازمان‌یابی آن از مسائل پرچالشی است که موضوع اختصاصی و کانون توجه علوم جغرافیایی و مکاتب مختلف فکری آن از دیرباز تاکنون به‌شمار می‌آید. در حیطه فلسفی‌شناسی فضا، سه دیدگاه عمده موضع مطلق یا جوهری^۱، موضع ربطی^۲ یا نسبی و موضع معرفت‌شناختی^۳ ارائه می‌شود که در میان آرای فلسفی اهمیت بیشتری دارد و چارچوب‌های مفهومی را ارائه می‌دهد (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

تطور مفهوم فضا در دیدگاه‌های فضایی سبب شد تا ناکارآمدی فضاگرایی دهه ۱۹۶۰ مشخص شود و واکنش‌هایی برانگیزد. یک سوی طیف این واکنش‌ها را مارکسیست‌ها تشکیل می‌دادند که به‌طور مطلق فضا را نفی می‌کردند. به گمان آن‌ها تمام روابط و فرایندهای فضایی، در واقع روابط اجتماعی هستند که شکلی فضایی یافته‌اند؛ به‌گونه‌ای که در این دوره، تأکید بر آن بود که فضا یک سازه اجتماعی است. در سوی دیگر این طیف، متفکرانی بودند که این‌گرایش افراطی را نپذیرفتند. آن‌ها ضمن نفی موضع جوهری فضا، به موضع ربطی یا نسبی توجه نشان دادند و تأکید کردند که اجتماع نیز سازه‌ای فضایی است. در نهایت، با توجه به کمبودهای هر یک از دیدگاه‌های پیشین، در دهه ۱۹۸۰ دیدگاهی بینابینی مطرح شد. در این دیدگاه، فضا ساختی اجتماعی است، اما روابط اجتماعی نیز روی فضا بنا می‌شود؛ بنابراین، با گذشت زمان و آشکار شدن ضعف قدرت رویکردهای عینی در تبیین فضا، توجه به عوامل انسانی-اجتماعی در سازماندهی کالبد و فضا گریزناپذیر می‌شود و فضا دلالت‌های اجتماعی و جامعه‌شناسانه بیشتری می‌یابد (همان: ۱۰۸-۱۰۹).

در این رهگذر، نواحی پیراشهری (شکل ۱) یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا و عرصه ایفای نقش بازیگرانی به‌شمار می‌روند که هر یک از آن‌ها به‌عنوان عنصری از جامعه، زمینه‌ساز تولید انواع فضا (سکونت، خدماتی، صنعتی، آموزشی، بهداشتی و...) هستند. شاید بتوان فضای پیراشهری را به‌سادگی به‌منزله نواحی حاشیه شهر و لبه نواحی شهری که شهر در آن‌ها گسترش می‌یابد، تعریف کرد. همچنین می‌توان این نواحی را پیرامون ناحیه شهری و مرز توسعه درونی آن، ناحیه روستایی و مرز بیرونی آن، و زمین‌های میان این دو دانست (Buxton et al., 2008: 25).

این نواحی که در جبهه مقدم تضاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بین شهر و روستا قرار دارند، مصداق کامل سخن ملوین وبر هستند؛ یعنی در جایی قرار دارند که گروه‌های نامتجانس اجتماعی، از طریق فضا با یکدیگر در ارتباطند (Harold, 1989: 321). در اینجا، فضا با نفوذ در روابط اجتماعی، نه تنها با این روابط تداوم می‌یابد، بلکه روابط اجتماعی را تولید می‌کند و با آن‌ها تولید می‌شود (Lefebvre, 2009: 186). در واقع، جامعه با تولید فضایی برای بیان فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی براساس طبیعت و سرشت وی، نه تنها به سوی ساختی مشخص گام برمی‌دارد، بلکه خودش را نیز بازتولید می‌کند (امیری و رضاپور، ۱۳۹۱: ۲)؛ بنابراین، می‌توان گفت که فضا به تسخیر اقتصاد، اقتدار و قدرت درمی‌آید و تولید آن به‌عنوان یک کالا برای دستیابی به سود بیشتر مطرح می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۶: ۲۹۸).

با توجه به آنچه بیان شد، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک از صاحب‌نظران با توجه به زاویه دید

1. Substantive
2. Relational
3. Epistemological

خود، دسته‌بندی‌های مختلفی از آن ارائه کرده‌اند (از جمله گیدئون سیوبرگ، الیزابت لباس، ویلیام فلانینگن، پیتیر تیلور و پرویز پیران). افروغ (۱۹۹۸) با جمع‌بندی دیدگاه‌ها و آرای اندیشمندان، تقسیم‌بندی زیر را ارائه کرده است:

۱. دیدگاه اکولوژیست‌ها؛
۲. دیدگاه فرهنگ‌گرایی؛
۳. دیدگاه روابط قدرت و مدیریت‌مداری؛
۴. دیدگاه پدیده‌گرایی؛
۵. دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا؛
۶. دیدگاه‌های جامعه‌شناسی شهری غیرفضایی.

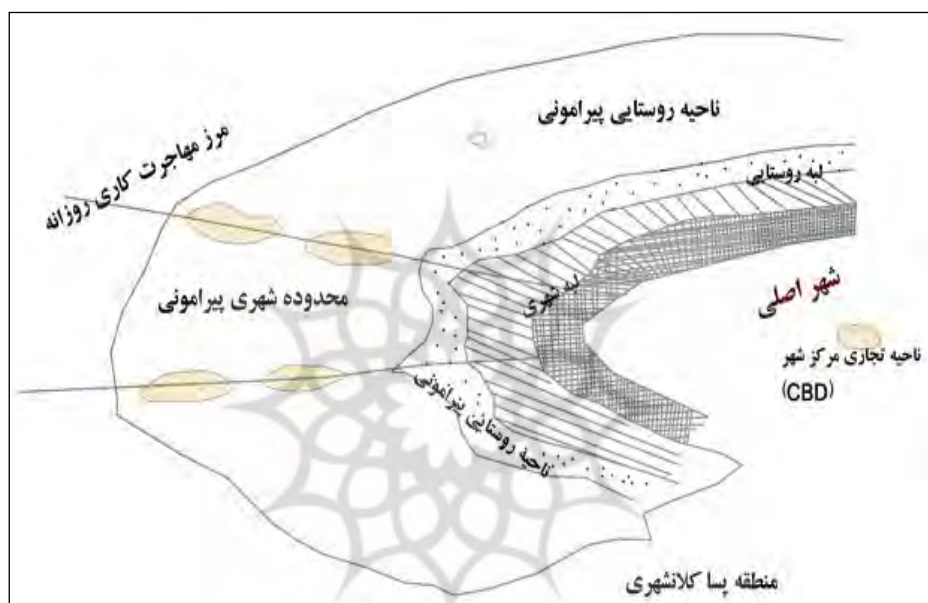
دغدغه اصلی این پژوهش، شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری و پیامدهای فضایی آن است. از این رو رویکرد نظری این پژوهش در قبال فضا و تولید آن، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا است. اقتصاد مدنظر، تعمیم نقد مارکس از اقتصاد سیاسی است. به بیان دیگر، مفهوم اقتصاد سیاسی فضا و بن‌مایه آن، به شدت از رویکرد اقتصاد سیاسی منشعب می‌شود. اقتصاد سیاسی فضا نیز با حفظ اصول تحلیل‌های اقتصاد سیاسی، آن را در قالب فضا تعمیم می‌دهد (افروغ، ۱۳۷۶: ۱۵۵). همچنین علل پیدایش سکونتگاه‌های مختلف را بررسی می‌کند و با ریشه مسئله درگیر می‌شود (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۹: ۳۱۲).

اقتصاد سیاسی فضا ویژگی‌هایی دارد که توجیه‌کننده به کارگیری این رویکرد به عنوان رویکرد نظری پژوهش است. این ویژگی‌ها که ممکن است در مطالعات تولید فضا (شهری، روستایی، صنعتی، خدماتی، سبز و...) کاربرد داشته باشند، عبارت‌اند از: توجه به علل پیدایش سکونتگاه‌ها، دقت به سازوکارهای حاکم بر فضا، توجه به چارچوب اعمال کنترل و قدرت دولت، و دقت به دلالت‌های فضایی روابط و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی (محملی ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۷). براین اساس می‌توان از دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به عنوان مبنای نظری پژوهش استفاده کرد.

اقتصاد سیاسی فضا از نظر پیشگامان آن، عمدتاً برای مقابله با بحران موضوعی و نظری مطالعات مربوط به شهر و شهرنشینی، یا به تعبیری منش ایدئولوژیک این‌گونه مطالعات و روش‌شناسی اثبات‌گرایانه آن مطرح شد. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که کمابیش درباره مسئله شهر شکل گرفته و قوام یافته است، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، دلالت‌های فضایی مباحث گسترده‌تر را در دستور فضایی خود قرار می‌دهد؛ مباحثی که به یک معنا معطوف به بعد اقتصادی و روابط ناشی از آن است (افروغ، ۱۳۷۶: ۱۵۵-۱۵۶).

همان‌طور که اشاره شد، در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، علل پیدایش سکونتگاه‌های مختلف اهمیت بسیار دارد. از این رو شاید سرمایه‌داری و تحولات آن، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم به متغیر اصلی این دیدگاه تبدیل شده است (افراخته و حجتی‌پور، ۱۳۹۴: ۹۱). مکتب اقتصاد سیاسی فضا، به فرایند فشرده‌گی فضا و زمان و تطور تاریخی-جغرافیایی جوامع توجه دارد. علاوه بر این، در چارچوب دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، درباره مفاهیمی مانند روابط نظام سرمایه‌داری (محملی ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۶)، نقش دولت و برنامه‌ریزان (Harvey, 1998)، مفهوم عدالت و توزیع عادلانه (Harvey, 1997)، رانت و مازاد تولید (محملی ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۶)، و انباشت ثروت، طبقه و قدرت (Castells, 1977) بحث

می‌شود. در این دیدگاه، فضا پدیده‌ای است که تولید می‌شود و در آن، سازوکارهای حاکم بر تولید فضا جست‌وجو می‌شوند؛ بنابراین، نخستین نتیجه‌گیری این است که تولید فضا - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - انعکاس روابط طبقاتی و به بیان کلی‌تر بهره‌کشی است. در این دیدگاه، طبقه حاکم، در محیط مصنوع، کل جامعه را غارت می‌کند و بر آن مسلط می‌شود. براین اساس، هدف اقتصاد سیاسی فضا، کشف الگوهای فضایی فرایند تولید، توزیع، مصرف، نقش دولت و مدیریت شهری و روستایی، و گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل‌دهی به این الگوهاست (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۹: ۳۱۲-۳۱۴)؛ زیرا اقتصاد سیاسی فضا، زمینه‌ساز قدرت و فرایندهای تولید فضاست (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۹۲).



شکل ۱. محدوده پیرامونی

منبع: برک‌پور و همکاران، ۱۳۸۹ به نقل از Buxton et al., 2008: 26

تولید فضا پدیده‌ای در راستای تحکیم روابط انباشت، گردش و سود است که مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌داری به‌شمار می‌آیند. از سوی دیگر، برای اعمال موارد مذکور در فضای شهر، به قدرت و هژمونی نیاز است. قدرت، جریان تولید فضا را به نفع سرمایه و سرمایه‌دار شکل می‌دهد. تاریخ شهرنشینی در غرب و ایران بیانگر این است که نابرابری و فقر به‌صورت شکاف بین فقیر و غنی وجود داشته و همواره در جریان تولید فضای شهری تبلور فیزیکی یافته است. در جهان امروز نیز سلطه نگرش نئولیبرالیستی، به تعمیق و گسترش این شکاف دامن زده است (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). سرمایه باید تولید اضافی کند تا بتواند ارزش اضافی به‌وجود آورد. پس باید دوباره در این مسئله سرمایه‌گذاری شود تا بتوان ارزش اضافی بیشتری ایجاد کرد؛ بنابراین، نیاز دائمی به یافتن زمینه‌های سودآور تولید و جذب مازاد سرمایه، سیاست سرمایه‌داری را شکل می‌دهد.

باید توجه داشت که سرمایه به‌سوی دارایی‌های ثابت (دارایی‌های مصنوع از قبیل فضاهای شهری ساخته‌شده و...) و

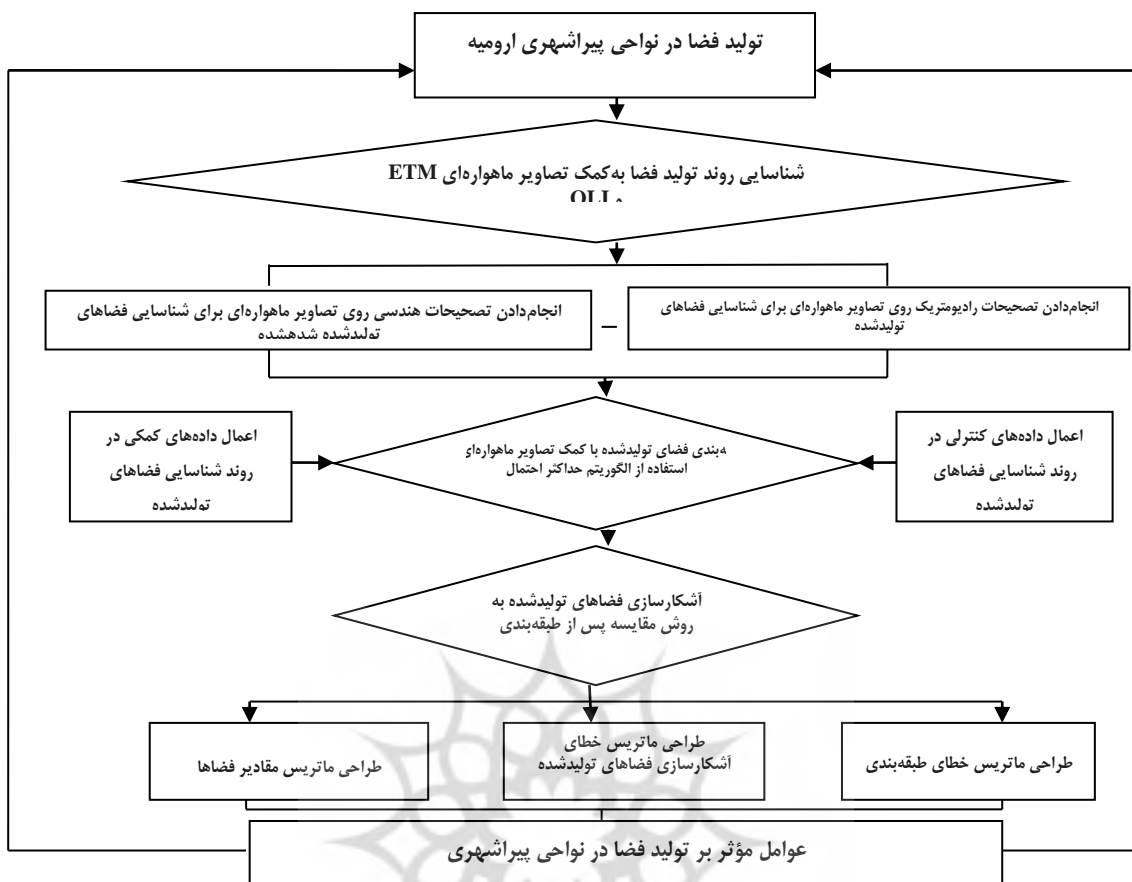
وجوه مصرفی جریان می‌یابد که در واقع به آن مدار ثانویه سرمایه اطلاق می‌شود. از این رو سرمایه‌گذاری در محیط مصنوع، مستلزم ایجاد چشم‌انداز کاملاً فیزیکی برای تولید، گردش، مبادله و مصرف است (Harvey, 1978: 106)؛ بنابراین، توسعه نواحی پیراشهری نیازمند به‌کارگیری تولید اضافی است و ارتباط تنگاتنگی بین توسعه سرمایه‌داری و توسعه نواحی پیراشهری وجود دارد. به گفته دیوید هاروی و هنری لوفور، «تولید فضا (شیوه‌ای که سازمان سرمایه‌داری گسترش می‌یابد و تمامی جنبه‌های اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد)، به‌ویژه تولید محیط مصنوع، شرط لازم تولید فرایند انباشت سرمایه، گردش و مصرف سرمایه است» (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴)؛ یعنی نقش فضا به عنوان عنصری بنیادی، در خدمت سرمایه‌داری عمل می‌کند (Cohen, 1978: 51). به بیان دیگر، پدیده تولید فضا دو وجه عمده دارد:

الف) ارزش استفاده که عمدتاً در ارتباط با تأمین نیازهاست؛

ب) ارزش مبادله که هدف آن سودآوری و شیء‌انگاری فضا است؛ در نهایت چالش بین این دو به تضادهایی می‌انجامد که آن را با عنوان مبارزه بین اهداف فردی و جمعی می‌شناسند. چنین تنش‌هایی در سطح فضای شهری، به‌وجودآورنده بسیاری از مشکلات است که از رشد بی‌رویه فیزیکی شهر و جدایی‌گزینی فضایی (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴) تا آلونک‌نشینی و سکونت در حلیه‌آبادها و در نهایت تولید فضای پیراشهری حکایت می‌کند.

مفهوم پیراشهری به عنوان ناحیه‌ای ناهماهنگ، با ترکیبی از ویژگی‌های روستایی و شهری بیان می‌شود. ویژگی‌های عمده این دسته از مکان‌ها عبارت‌اند از: افزایش روزافزون تراکم جمعیت غنی از خانه‌های روستایی، آلونک‌نشینی، منابع متعدد درآمدی، نبود مقررات، وجود مجادله بر حقوق تصرف زمین، تغییر ناهماهنگ زمین‌های کشاورزی به مسکونی، آلودگی و مسائل زیست‌محیطی، بهره‌برداری شدید از منابع، پویایی چشمگیر اقتصادی و ضعف یا نبود خدمات.

سایر پژوهشگران ویژگی‌های دیگری را نیز اضافه کرده‌اند، از جمله هم‌جواری با شهر، وجود ارزش‌های روستایی و سنتی، هم‌جواری با بزرگراه‌ها، توسعه صنعتی، تجاری‌شدن و تغییر فعالیت کشاورزی. با وجود چنین تعاریفی، درک مفهوم پیراشهری به عنوان آمیزه‌های ناهمگن از ویژگی‌های شهری و روستایی بر این پیش‌فرض بنیادی صحت می‌گذارد که این مفهوم، مکان‌مناست (ناحیه‌ای بین شهرها و فضاهای روستایی) (Dávila, 1999; Marshal et al., 2009)؛ بنابراین، آنچه از این مباحث دریافت می‌شود این است که سودآوری، رانت فضایی، نابرابری و بی‌عدالتی، شکاف فضایی، تغییر ناهماهنگ اراضی و خلق فضاهای جدید در انواع مختلف (سکونتگاهی، صنعتی و...)، ساخت‌وسازهای گسترده، انباشت سرمایه و نیروی کار، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و... منتج از رویه تولید فضای پیراشهری، ثروت و قدرت (گروه‌های قدرتمند مالی) در نواحی پیراشهری است. از این رو در پژوهش حاضر با نگرشی جدید، ابتدا با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای به شناسایی فضاهای تولیدشده در نواحی پیراشهری پرداخته شد. سپس با تکیه بر رویکرد اقتصاد سیاسی فضا - که «تطور تاریخی-جغرافیایی جوامع، روابط نظام سرمایه‌داری، مفهوم عدالت و توزیع عادلانه، رانت و مازاد تولید، انباشت ثروت، طبقه و قدرت» را در چارچوب توضیحی خود قرار می‌دهد (محملی ایبانه، ۱۳۹۰: ۱۶۶) - عوامل تأثیرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری و پیامدهای آن بررسی، و از مسئولان نظرسنجی شد. در شکل ۲ فرایند انجام‌شدن پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۲. فرآیند انجام‌شدن پژوهش

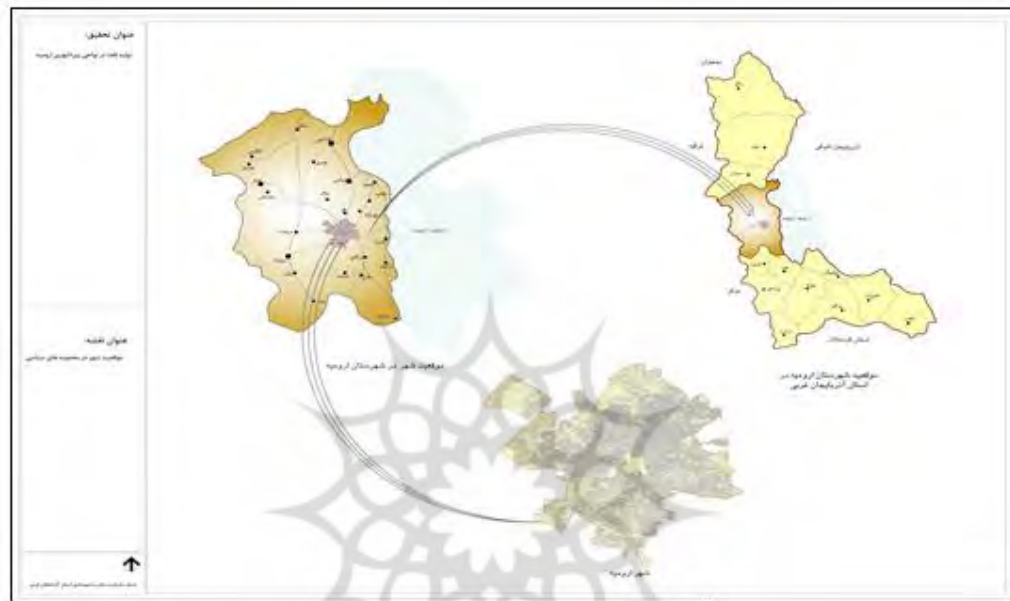
داده‌ها و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

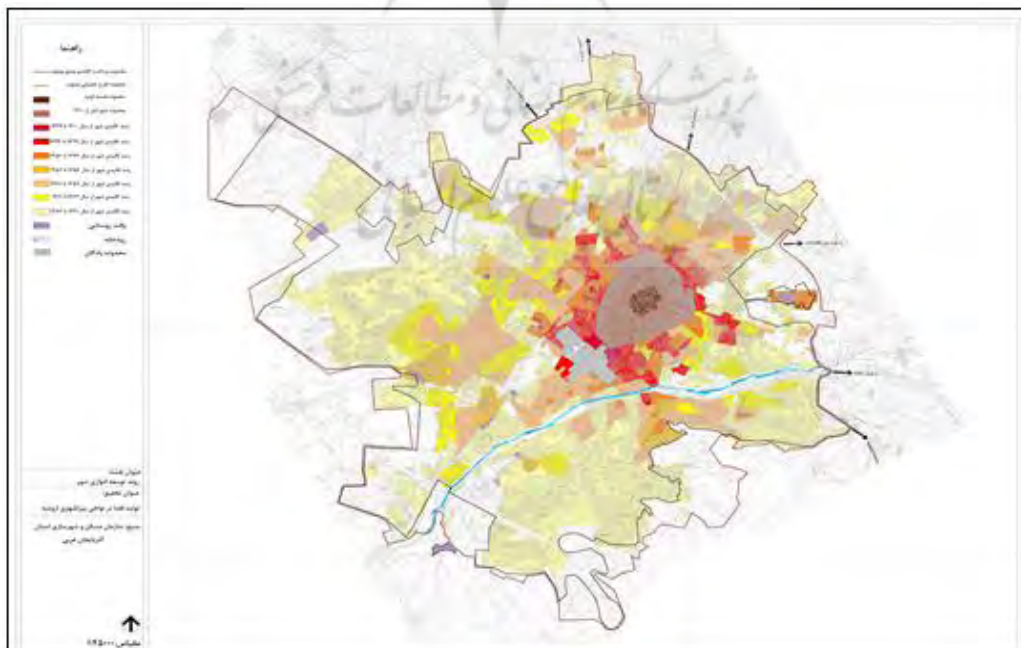
شهر ارومیه، مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی است که در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه، در مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ، و ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی از مبدأ خط استوا در جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر قرار دارد. در سال ۱۳۹۰ جمعیت این شهر بالغ بر ۹۶۳.۷۳۸ نفر بود. ارومیه با مساحتی حدود ۶۰ کیلومترمربع، موقعیت جغرافیایی مناسبی دارد و تقریباً در میانه استان، و در جلگه ارومیه - که یکی از مستعدترین جلگه‌های کشور است - قرار گرفته است. مرز مشترک این شهر با کشور ترکیه، سبب اهمیت اقتصادی و سیاسی این شهر شده است.

ارومیه از دیدگاه اقتصادی، تجاری است و مرکز اصلی مبادله در استان آذربایجان غربی محسوب می‌شود (شکل ۳) (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). در سال ۱۳۳۰، مساحت ارومیه ۳۰۰ هکتار بود که با رشد ۵/۰۶ درصدی در سال ۱۳۳۵ به ۳۸۵ هکتار رسید. این روند رشد تا سال ۱۳۹۰ ادامه یافت؛ تا جایی که مساحت این شهر در این سال به ۹۳۲۰ هکتار رسید (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰). ارومیه به دلیل قراردادن در ناحیه کشاورزی و تخریب فضاهای باغی، زراعی و مرتعی، زمینه‌ساز تولید فضاهای مسکونی و ارتباطی شده است.

توسعه کالبدی شهر ارومیه در بستر تاریخی نشان می‌دهد وسعت ۱۴۰۰ هکتاری بافت شهر در سال ۱۳۵۳، به ۳۶۶۵ هکتار در سال ۱۳۶۵، ۵۳۰۰ هکتار در سال ۱۳۷۳ و ۷۲۰۰ هکتار در سال ۱۳۸۱ رسیده است. همچنین مساحت شهر در سال ۱۳۸۳ به ۷۱۳۶ هکتار (طرح جامع، ۱۳۸۹: ۶۱) و در سال ۱۳۸۵ به ۸۵۷۰ هکتار تغییر کرده است. در سال ۱۳۹۳ نیز مساحت آن با روندی روبه‌گسترش به ۱۰۵۴۸ هکتار افزایش یافته است (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱) (شکل ۴).



شکل ۳. موقعیت محدوده مورد مطالعه در استان آذربایجان غربی



شکل ۴. روند توسعه تاریخی شهر ارومیه (طرح جامع شهر ارومیه)

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر ترکیبی (کمی و کیفی) است و از طرح پژوهشی متوالی تبیینی بهره گرفته است. در مرحله اول این طرح، داده‌های کمی گردآوری و تحلیل، و در مرحله دوم داده‌های کیفی (به‌عنوان طرح مکمل) ارزیابی شدند. در نهایت، هر دو تحلیل کمی و کیفی به‌صورت یک‌جا تفسیر شدند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۷). در فاز کمی، برای بررسی فضاهای تولیدشده، از تصاویر ماهواره‌ای سنجنده TM و OLI ماهواره لندست در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ استفاده شد؛ زیرا تحولات فضایی در این دوره چشمگیر بود. تصاویر ETM مربوط به سال ۲۰۰۰ در سازمان فضایی کشور با استفاده از مدل ارتفاع رقومی خطای ناشی از پستی و بلندی تصحیح شده بود و تصاویر OLI/TIRS مربوط به سال ۲۰۱۴ از usgs.gov آمریکا تهیه شد. تصاویر زمین مرجع بود و هیچ‌گونه خطای رادیومتریک و پوشش ابر وجود نداشت. با استفاده از روی هم‌اندازی لایه راه‌های نقشه توپوگرافی ۱:۲۵۰۰۰ منطقه و تصاویر ماهواره‌ای، از زمین مرجع‌بودن دقیق داده‌ها اطمینان حاصل شد. نقشه فضاهای تولیدشده با استفاده از نمونه‌های تعلیمی تهیه‌شده به‌وسیله GPS^۱ استخراج شد تا نقاطی برای کنترل زمینی تعیین شود. بدین ترتیب، نمونه تعلیمی برای فضاهای مرتع و اراضی رهاشده، کشاورزی و باغی تهیه شد. در محیط ENVI، تهیه نقشه فضاهای تولیدشده به روش الگوریتم حداکثر احتمال صورت گرفت. تعیین مساحت هر فضا هم با نرم‌افزار ArcGIS انجام شد. همچنین بررسی صحت طبقه‌بندی با استفاده از نمونه‌های تعلیمی، ضرایب صحت کلی^۲ و ضریب کاپا^۳ صورت گرفت. دقت کلی، از جمع عناصر قطر اصلی ماتریس خطا تقسیم بر تعداد کل پیکسل‌ها محاسبه شده است (رابطه ۱).

$$OA = \frac{1}{N} \sum P_{ii} \quad (1)$$

در رابطه ۱، OA دقت کلی، N تعداد پیکسل‌های آزمایشی و $\sum P_{ii}$ جمع عناصر قطر اصلی ماتریس خطاست. به دلیل ایراد واردشده به دقت کلی، اغلب در کارهای اجرایی که در آن مقایسه دقت طبقه‌بندی مورد توجه است، از ضریب کاپا استفاده می‌شود؛ زیرا این شاخص، پیکسل‌های نادرست طبقه‌بندی شده را در نظر می‌گیرد. در این مطالعه، ضریب کاپا با استفاده از رابطه ۲ محاسبه شده است.

$$Kappa = \frac{P_o - P_e}{1 - P_e} * 100 \quad (2)$$

در رابطه ۲، P_o درستی مشاهده‌شده بین دو نقشه و P_e توافق مورد انتظار براساس هیستوگرام‌های معین است. پس از تهیه نقشه‌های نهایی فضاهای تولیدشده، جدول‌ها و نقشه فضاهای تولیدشده در شعاع ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه استخراج شد. در نهایت، برای پی‌بردن به تغییر و تحولات ایجادشده در انواع فضا، نقشه‌ها به‌صورت دوجه‌دو با روش جداول متعامد^۴ مقایسه شدند.

۱. کاربرد GPS در مطالعات میدانی، افزایش دقت طبقه‌بندی تصویر است.

2. Overall accuracy
3. Kappa coefficient
4. Cross tab

مرحله دوم پژوهش که با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری صورت گرفت، شامل بخش کیفی است. مشارکت‌کنندگان در این بخش، سازمان‌های مرتبط در امور شهری و روستایی (شهرداری، سازمان راه و شهرسازی، اداره کل منابع طبیعی، سازمان جهاد کشاورزی، استانداری، فرمانداری، بخشداری و...) هستند. در نمونه‌گیری از کارشناسان سازمان‌های دولتی به صورت غیراحتمالی، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۱ استفاده شد (اگرچه در بررسی کنونی، با ۱۵ نفر از مطلعان مصاحبه شد و اشباع نظری کافی به دست آمد، به دلیل اهمیت موضوع پژوهش، مصاحبه تا ۳۵ نفر ادامه یافت).

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند و مشاهده مستقیم استفاده شد. همچنین تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و دسترسی به هدف این بخش، با فن گراند تئوری (تئوری زمینه‌یابی) صورت گرفت. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها از طریق تحلیل محتوایی واکاوی، و طی مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی طبقه‌بندی شدند. در کدگذاری باز نمونه‌ها، به هریک از عوامل مطرح‌شده یک کد اختصاص یافت. بدین ترتیب، تمامی داده‌ها کدگذاری شدند. سپس در کدگذاری محوری، میزان تشابه و تفاوت هریک از مفاهیمی که در کدگذاری باز به دست آمده بود، مقایسه شد. در نهایت، در کدگذاری انتخابی، تمامی داده‌ها طبقه‌بندی کلی شدند.

یافته‌های پژوهش

اقتصاد سیاسی فضا ممکن است به‌عنوان یک فرازبان یا فراروایت مورد توجه باشد. امروزه در این علم، گرایش‌های فضایی، علوم اجتماعی، جغرافیا، علوم فرهنگی، اقتصاد، معماری، تاریخ، هنر و دیگر رشته‌ها با مباحثی نظیر فمینیسم و پایداری پیوند داده می‌شوند (Cuthbert, 2006: 15). این دیدگاه که زمینه‌ساز فرایندهای تولید فضا است، فضا را در محدوده ملی و بین‌المللی، مفهومی می‌داند که تولید می‌شود. سپس به کشف سازوکارهای حاکم بر تولید فضا می‌پردازد (پاپلی یزدی و رجبی سانجودی، ۱۳۸۹: ۳۱۳). فضاها تولیدشده در شعاع ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه، طی سال‌های مورد مطالعه، تحولات فضایی چشمگیری داشته است. در پژوهش حاضر، الگوریتم حداکثر احتمال^۲، بهترین نتیجه را در طبقه‌بندی فضاها مورد نظر در محدوده مورد مطالعه دارد و بنابراین، از آن برای طبقه‌بندی تصاویر استفاده می‌شود (جدول ۱). طبقه‌بندی حداکثر احتمال، الگوریتم مناسبی برای طبقه‌بندی رقومی تصاویر ماهواره‌ای است. مزیت این الگوریتم، طبقه‌بندی داده‌های ماهواره‌ای به‌ویژه در تهیه نقشه پوشش اراضی است. همچنین بر مزیت آن بر سایر الگوریتم‌ها تأکید شده است (سنجری و برومند، ۱۳۹۲).

۱. نمونه‌گیری گلوله‌برفی (Snowball Sampling) یکی از رویکردهای متداول در نمونه‌گیری هدفمند متوالی یا متواتر است. این نوع نمونه‌گیری یک روش غیراحتمالی است که حالت انتخاب تصادفی نیز دارد. این روش زمانی مناسب است که نتوان اعضای یک گروه یا جامعه را به راحتی مشخص کرد. در این روش، پژوهشگر ابتدا افرادی را شناسایی می‌کند و پس از دریافت اطلاعات، از آن‌ها می‌خواهد که فرد یا افراد دیگری را به وی معرفی کنند (Babbie, 2002)؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد گلوله‌برفی، از مطلعی به مطلع دیگر رسیدن است.

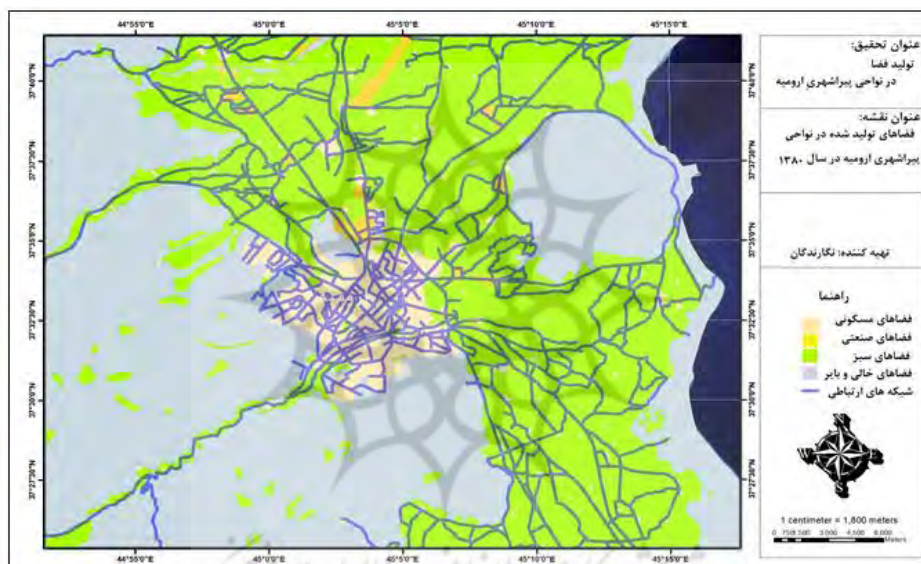
2. Maximum likelihood

جدول ۱. درصد صحت کلی و ضریب کاپای حاصل از طبقه‌بندی

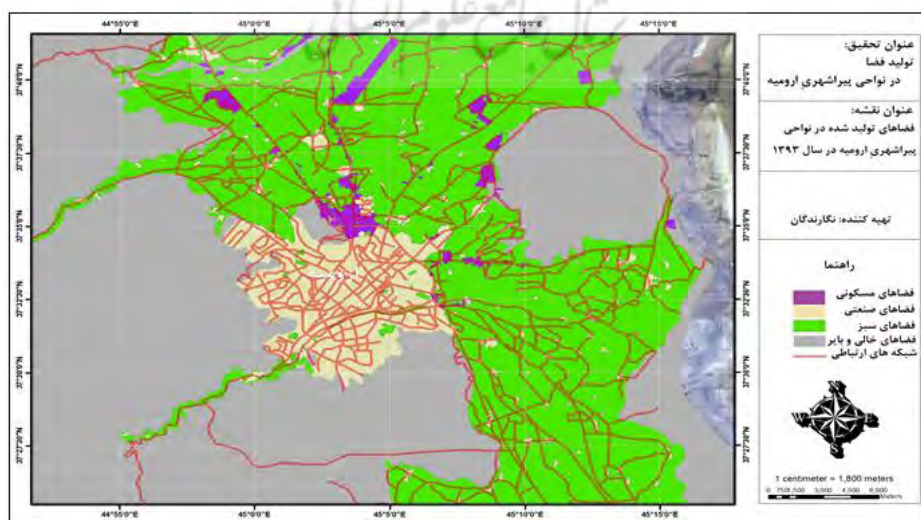
سال	منطقه	نوع طبقه‌بندی	صحت کلی (به درصد)	ضریب کاپا
۱۳۸۰	شعاع ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه	حداکثر احتمال	۹۸/۶۴	۰/۹۷
۱۳۹۳	شعاع ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه	حداکثر احتمال	۹۷/۲۲	۰/۹۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

براساس اطلاعات حاصل از نقشه کاربری اراضی ۱:۲۵۰۰۰۰ منطقه و تصاویر نرم‌افزار گوگل ارث، نقاط تعلیمی تهیه، و به محیط نرم‌افزار ENVI وارد شدند. در نتیجه، فضاهای تولیدشده در پنج کلاس قرار گرفتند. شکل‌های ۵ و ۶، فضاهای تولیدشده در محدوده مورد مطالعه را در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۳ نشان می‌دهد.



شکل ۵. فضاهای تولیدشده در نواحی بیراشهری ارومیه (سال ۱۳۸۰)



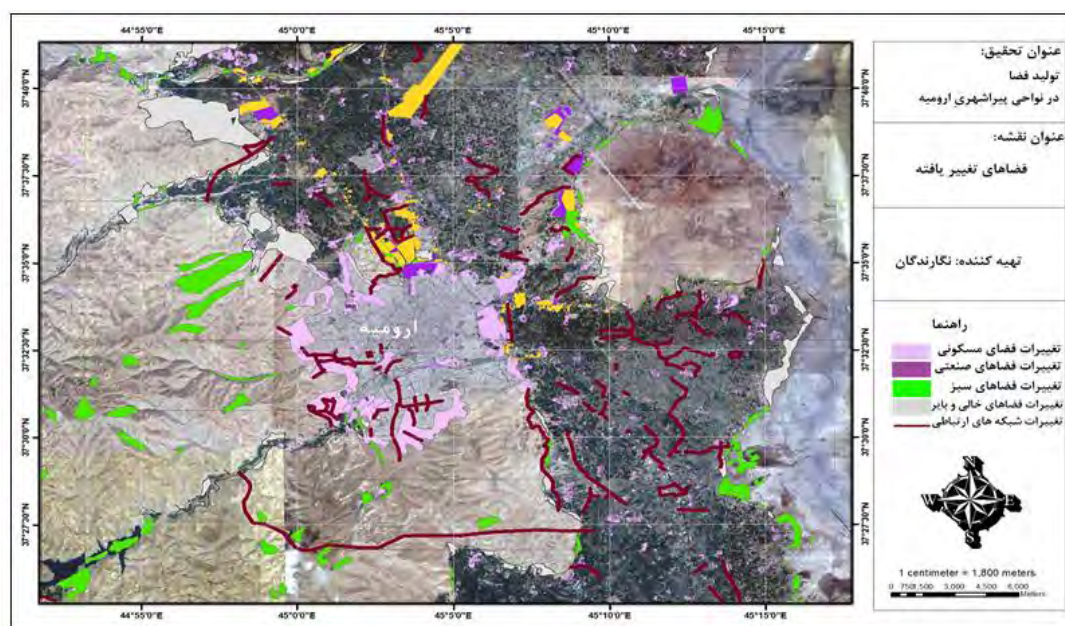
شکل ۶. فضاهای تولیدشده در نواحی بیراشهری ارومیه (سال ۱۳۹۳)

نتایج طبقه‌بندی فضاها نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۳ مساحت فضاهای مسکونی، صنعتی، سبز، خالی و بایر، همچنین شبکه‌های ارتباطی حدود ۱۱۵۲۴۵/۹۴۹ هکتار بوده است. از میان فضاهای مورد مطالعه، فضاهای مسکونی، ۳۰۶۹/۲۸ هکتار، صنعتی ۴۷۳۶/۷۳ هکتار، و ارتباطی ۰/۱۸۶۶ هکتار افزایش تولید داشتند که ناشی از کاهش فضاهای سبز (زراعی، باغی، مرتعی و جنگلی) و فضاهای خالی و بایر بود. افزایش مساحت فضاهای تولیدشده در محدوده مورد بررسی، ناشی از تحولاتی بوده که در بسیاری از فضاها روی داده است.

برای آگاهی از تغییر و تحولات در انواع فضاهای استخراج‌شده، این فضاها به صورت دوه‌دو و با جداول متعادل مقایسه شدند. با توجه به شکل ۷ و جدول ۲، بیشترین تولیدات فضایی از نظر مساحت در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۳، به فضاهای مسکونی مربوط است؛ به طوری که طی بازه زمانی مورد مطالعه حدود ۱۵۹۳/۸۵ هکتار از فضاهای سبز (کشاورزی، باغی، مرتعی و جنگلی) و حدود ۱۴۷۴/۲۶ هکتار از فضاهای خالی و بایر به فضاهای مسکونی تبدیل شد. نتایج بیانگر فضاهای تولیدشده به نفع فضاهای مسکونی است. با توجه به تحولات فضایی و افزایش بی‌رویه مساحت فضای مسکونی تولیدشده که نشان‌دهنده توزیع نامتعادل فضا است، لزوم بررسی فضاهای تولیدشده به نفع فضاهای مسکونی در نواحی پیراشهری ارومیه احساس می‌شود.

جدول ۲. نتایج حاصل از مقایسه فضاهای تولیدشده و تبدیل آن‌ها در محدوده مورد مطالعه بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۳

نوع فضا	مساحت	۲۰۱۴	۲۰۰۰	تغییرات	سکونتگاهی	سبز	خالی و بایر	صنعتی	ارتباطی
مسکونی	هکتار	۹۵۵۶/۴۰	۶۷۲۶/۴۷	۳۰۶۹/۲۸		۱۵۹۳/۸۵	۱۴۷۴/۲۶	۱/۱۰	۰/۰۳۸۵
	درصد	۸/۲۹۳	۵/۸۳۶	۳۴/۴۴۸					
سبز	هکتار	۴۴۴۲۷/۹۱	۴۸۲۸۳/۸۸	۴۷۳۶/۷۳	۱۵۹۳/۸۵			۴۰۹/۴۶	۰/۱۰۶۷
	درصد	۳۸/۵۵۰	۴۱/۸۹۶	۳۷/۷۳					
خالی و بایر	هکتار	۵۹۶۵۹/۱۸	۵۹۰۸۶/۲۱	۴۲۷۲/۵۲	۱۴۷۴/۲۶	۲۷۳۳/۳۲		۶۴/۹۰	۰/۰۴۱۳
	درصد	۵۱/۷۶۶	۵۱/۲۶۹	۳۴/۰۳۱					
صنعتی	هکتار	۱۶۰۱/۳۷	۱۱۴۸/۴۹	۴۷۵/۴۶	۱/۱۰	۴۰۹/۴۶	۶۴/۹۰		
	درصد	۱/۳۸۹	۰/۹۹۶	۳/۷۸۷					
شبکه‌های	هکتار	۱/۰۸۹	۰/۸۹۹	۰/۱۸۶۶					
ارتباطی	درصد	۰/۰۰۰۹۴۴	۰/۰۰۰۷۸	۰/۰۰۱۴۸	۰/۵۰۳۸۵	۰/۱۰۶۷	۰/۰۴۱۳		
کل	هکتار	۱۱۵۲۴۵/۹۴۹	۱۱۵۲۴۵/۹۴۹	۱۲۵۵۴/۷۶۶					



شکل ۷. نقشه فضاهای تغییر یافته در محدوده مورد مطالعه از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۳

همان‌گونه که در جدول ۲ و شکل‌های ۵ تا ۷ مشاهده می‌شود، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، تولید فضاهای سبز کاهش یافته و تولید فضاهای مسکونی، صنعتی و شبکه‌های ارتباطی بیشتر شده است. این وضعیت نشان‌دهنده روند ناپایداری فضاهای سبز و توسعه فضاهای ساخت‌وساز شده یا فضاهای مصنوع است. براساس مطالعات، در سال ۲۰۰۰ از مجموع مساحت محدوده مورد مطالعه (۱۱۵۲۴۵/۹۴۹۴ هکتار) حدود ۶۷۲۶/۴۷ هکتار (۵/۸۳۶ درصد) را فضاهای مسکونی تشکیل داده است. فضاهای صنعتی، فضاهای سبز و شبکه‌های ارتباطی نیز به ترتیب ۱۱۴۸/۴۹ هکتار (۰/۹۹۶ درصد)، ۴۸۲۸۳/۸۸ هکتار (۴۱/۸۹۶ درصد)، و ۰/۸۹۹ هکتار (۰/۰۰۰۷۸ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین فضاهای خالی و بایر حدود ۵۹۰۸۶/۲۱ هکتار (۵۱/۲۶۹ درصد) بوده‌اند. این ارقام در سال ۲۰۱۴ تغییر کرد؛ به طوری که مساحت فضاهای مسکونی به ۹۵۵۶/۴۰ هکتار (۸/۲۹۲ درصد) رسید؛ یعنی حدود ۳۰۶۹/۲۸ هکتار (۲۴/۴۴۸ درصد) افزایش داشت. در این افزایش، فضای مسکونی ۱۵۹۳/۸۵ هکتار از فضای سبز، ۱۴۷۴/۲۶ هکتار از فضای خالی و بایر و ۱/۱۰ هکتار را از فضای صنعتی مصرف کرده است. در این میان، مساحت فضاهای صنعتی در سال ۲۰۱۴ (۱۶۰۱/۳۷ هکتار) بیشتر از سال ۲۰۰۰ (۱۱۴۸/۴۹ هکتار)، یعنی ۴۷۵/۴۶ هکتار (۳/۷۸۷ درصد) بوده است. در این افزایش تولید، فضاهای صنعتی ۱/۱۰ درصد از فضاهای مسکونی، ۴۰۹/۴۶ هکتار از فضای سبز و ۶۴/۹۰ درصد از فضاهای خالی و بایر را مصرف کرده‌اند.

مساحت فضاهای سبز در دوره مورد نظر، ۴۷۳۶/۷۳ هکتار (۳۷/۷۳۰ درصد) کاهش یافته و از ۴۸۲۸۳/۸۸ هکتار در سال ۲۰۰۰، به ۴۴۴۲۷/۹۱ هکتار (۳۸/۵۵۰ درصد) در سال ۲۰۱۴ رسیده است. براساس مطالعه مورد نظر، حدود ۱۵۹۳/۸۵ هکتار از فضای سبز (زراعی، باغی، مرتعی و جنگلی) به مصرف فضای مسکونی، ۲۷۳۳/۳۲ هکتار به مصرف فضای خالی، ۴۰۹/۴۶ هکتار به مصرف فضای صنعتی، و ۰/۱۰۶۷ هکتار به مصرف شبکه‌های ارتباطی اختصاص یافته است.

در سال ۲۰۰۰ در شعاع ۱۵ کیلومتری شهر ارومیه، حدود ۵۹۰۸۶/۲۱ هکتار (۵۱/۲۶۹ درصد) فضاهای خالی و بایر وجود داشت که حدود ۴۲۷۲/۵۲ هکتار (۳۴/۰۳۱ درصد) از این مقدار در سال ۲۰۱۴ کم شد و به ۵۹۶۵۹/۱۸ هکتار (۵۱/۷۶۶ درصد) رسید؛ به طوری که ۱۴۷۴/۲۶ هکتار برای تولید فضای مسکونی، ۲۷۳۳/۳۲ هکتار در تولید فضای سبز، ۶۴/۹۰ هکتار در تولید فضای صنعتی و ۰/۴۱۳ هکتار نیز در تولید شبکه‌های ارتباطی مصرف شد. در نهایت، در سال ۲۰۰۰، شبکه‌های ارتباطی ۰/۸۹۹ هکتار بود که در سال ۲۰۱۴ به ۰/۱۸۶۶ هکتار (۰/۰۰۱۴۸ درصد) افزایش یافت. در افزایش تولید شبکه ارتباطی، حدود ۰/۳۸۵ هکتار از فضای مسکونی، ۰/۱۰۶۷ هکتار از فضای سبز و ۰/۰۴۱۳ هکتار از فضاهای خالی و بایر مصرف شده است. نتایج مشاهدات میدانی نشان می‌دهد فضاهای سبز (زراعی، باغی، مرتعی و جنگلی) برای خرید و فروش زمین، رشد حاشیه‌نشینی، تمایلات سودطلبانه (ساخت و ساز در فضاهای سبز و اکوسیستم‌های خوش‌آب‌وهوا در کنار استفاده از فضاهای خالی)، و کسب سود و ثروت‌اندوزی، متناسب با فضای زیسته و اهداف ازپیش تعیین شده مصرف نشده‌اند و به فضای مسکونی و در مواردی به فضای صنعتی و ارتباطی تغییر شکل داده‌اند.

تداوم این امر، سبب ناپایداری بسترهای این بخش از فضای پیراشهری ارومیه شده است. در ادامه، با تکیه بر روش کیفی، از روش دلفی استفاده شده است تا شالوده‌های اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه، در دوره زمانی مورد مطالعه بررسی شود. اطلاعات میدانی از متخصصان و کارشناسان مرتبط، با استفاده از فن گراند تئوری (نظریه مبنایی) بررسی شده است تا عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه در دسترس قرار گیرد. براساس این روش، پس از جمع‌آوری اطلاعات از جامعه مورد مطالعه، دست‌نوشته‌ها، مصاحبه‌های ضبط‌شده و چک‌لیست‌ها بررسی شدند. پس از چندین بار مرور، گویه‌های کلیدی در قالب کد و مفاهیم به دست آمدند (کدگذاری باز: مرحله اول). در این مرحله با به کارگیری سیستم کدگذاری باز و تحلیل خط‌به‌خط داده‌ها، فرایندهای آن مشخص و به هر جمله به صورت جداگانه یک کد داده شد؛ به طوری که ۶۷ واحد معنایی در قالب کد به دست آمد (جدول ۳).

جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های مرتبط با عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری (کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	کد
۱	فرصت‌های شغلی در نواحی پیراشهری، عاملی در تولید فضا از جمله فضای سکونتی محسوب می‌شوند.	E1
۲	وجود منابع درآمدی متعدد در نواحی پیراشهری، بر تولید انواع فضا اثرگذار است.	E2
۳	سرمایه‌گذاران و گروه‌های قدرتمند مالی در نواحی پیراشهری، در تولید انواع فضا، از جمله فضاهای صنعتی و سکونتی برای دستیابی به سود بیشتر نقش مهمی دارند.	E3
۴	مشکلات اقتصادی و معیشتی در میان ساکنان نواحی روستایی دوردست، زمینه‌ساز مهاجرت به نواحی پیراشهری و پدیده تولید انواع فضا شده است.	E4
۵	کسب و کارهای متنوع در نواحی پیراشهری عاملی در تولید فضاهای مسکونی است.	E5
۶	کسب درآمد و سود بیشتر از طریق تغییر کاربری فضاها در نواحی پیراشهری، به تولید فضا به‌ویژه فضای سکونتی منجر شده است.	E6

ادامه جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های مرتبط با عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری
(کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	کد
۷	نظام سرمایه‌داری از طریق انباشت سرمایه، کسب سود، و مداخله در ساختار و طرح فضاهای تولیدشده در نواحی پیراشهری در تولید فضا اثرگذار است.	E7
۸	نظام بازار با حرکت سرمایه و نیروی کار مهاجر به نواحی پیرامونی، بر تولید فضا در این نواحی اثر می‌گذارد.	E8
۹	قدرت زیاد فضای پیراشهری، به دلیل تمرکز منابع اقتصادی، به جذب جمعیت و در نتیجه تولید فضا منجر شده است.	E9
۱۰	سیاست‌های مالی و اقتصادی با هدف دسترسی به سرمایه و کسب سود، به تولید فضا در پیرامون شهرها انجامیده است.	E10
۱۱	سیاست‌های خاص سرمایه‌گذاری و انگیزه اقتصادی، یکی از محرک‌ها و عوامل روی‌آوری سرمایه‌گذاران به نواحی پیراشهری و تولید فضا برای کسب درآمد است.	E11
۱۲	تمرکز انواع امکانات در روستاهای پیرامون، زمینه‌ساز تولید فضا در نواحی پیراشهری شده است.	E12
۱۳	بعضی از روستاییان با مهاجرت به نواحی پیراشهری، با هدف تأمین آینده فرزندان‌شان از طریق تحصیل، بستر تولید انواع فضا را در نواحی پیراشهری فراهم کرده‌اند.	E13
۱۴	تمرکز مراکز صنعتی و کارگاهی در نواحی پیراشهری، عاملی برای جذب جمعیت و تولید فضاهای مسکونی است.	E14
۱۵	سهم‌بری زیاد روستاهای پیراشهری از خدمات و امکانات، در جذب جمعیت و تولید فضای سکونتی نقش دارد.	E15
۱۶	وجود بسترهای اشتغال غیرکشاورزی در نواحی پیراشهری، زمینه‌ساز تولید فضا است.	E16
۱۷	تنوع‌بخشی به درآمدهای خانوار از طریق انواع مشاغل، بر تولید فضای صنعتی در نواحی پیراشهری تأثیرگذار است.	E17
۱۸	قدرت بالای روستاهای نواحی پیراشهری (قدرت سیاسی، مذهبی و خدماتی) در جذب خدمات و تولید فضای خدماتی و سکونتی از دیگر روستاها نقش دارد.	E18
۱۹	گروه‌ها و طبقات اجتماعی مهم‌ترین عامل در تولید فضا هستند.	E19
۲۰	روابط و ارتباطات اجتماعی در تولید انواع فضا در نواحی پیراشهری تأثیر دارند.	E20
۲۱	گرایش‌ها و تمایلات مردم به تولید فضاهای سودآور، سبب تولید فضای پیراشهری و انواع فضا، مانند فضای صنعتی و خدماتی در نواحی پیراشهری شده است.	E21
۲۲	تحصیل فرزندان، عامل مهاجرت به نواحی پیراشهری و نتیجه خلق فضا مانند فضای سکونتی شده است؛ زیرا آن‌ها می‌توانند با آموزش، در سرنوشت اقتصادی خود بیشتر سهم بگیرند.	E22
۲۳	مهاجرت روستاشهری برای استفاده از امکانات و وسایل مدرن، زمینه‌ساز تولید فضای سکونتی، خدماتی و ارتباطی شده است.	E23
۲۴	افزایش جمعیت بر تولید انواع فضا در نواحی پیراشهری اثرگذار است.	E24
۲۵	افزایش تقاضای مسکن در نواحی پیراشهری، به تولید فضای سکونتی منجر شده است.	E25

ادامه جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های مرتبط با عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری
(کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	کد
۲۶	ناتوانی در تأمین مسکن در نواحی پیراشهری سبب تولید فضا (سکونتی) به صورت ساخت وسازهای غیرمجاز شده است.	E26
۲۷	وجود زمین خالی برای توسعه مسکن ارزان در نواحی پیراشهری، در تولید فضا نقش مهمی دارد.	E27
۲۸	سوءاستفاده دلالت از روند مهاجرتی و قدرت کم مالی مهاجران، بسترهای تولید انواع فضا را در نواحی پیراشهری فراهم کرده است.	E28
۲۹	سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی، در تولید فضای سکونتی و تخریب فضای سبز (زراعی، باغی و...) نقش بسیار مهمی دارند.	E29
۳۰	نزدیکی به مراکز کاری، در تولید فضا به‌ویژه فضای سکونتی و خدماتی نقش دارد.	E30
۳۱	نزدیکی به مراکز استانی و مراکز اداری-سیاسی، از عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری است.	E31
۳۲	دسترسی به راه‌های اصلی، از عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری است.	E32
۳۳	دسترسی به مراکز شهری، بر تولید فضا در نواحی پیراشهری اثر می‌گذارد.	E33
۳۴	دسترسی به خدمات زیربنایی، بر تولید فضا در نواحی پیراشهری اثرگذار است.	E34
۳۵	کاهش بازدهی تولید اراضی زراعی، بر تولید فضا مانند فضای صنعتی در نواحی پیراشهری اثر می‌گذارد.	E35
۳۶	نبود حمایت‌های مالی در مراحل تولید اراضی کشاورزی، عامل تغییر کاربری زمین کشاورزی و تولید فضای سکونتی یا صنعتی است.	E36
۳۷	تصاحب زمین و ساخت‌وسازهای غیرمجاز در اراضی کشاورزی به‌منظور گذران اوقات فراغت، به ویلاسازی و تولید فضای سکونتی منجر شده است.	E37
۳۸	بالابودن ارزش اقتصادی اراضی کشاورزی و باغی، زمینه‌ساز تغییر آن‌ها به فضای سکونتی، کارگاهی، صنعتی و... شده و در نهایت سبب تولید انواع فضا شده است.	E38
۳۹	تغییر از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به اقتصاد مبتنی بر صنعت، به تولید فضای صنعتی در نواحی پیراشهری منجر شده است.	E39
۴۰	فقر و مهاجرت عامل تولید فضا، به‌ویژه تولید فضای مسکونی در قالب فضاهای سکونتی غیررسمی است.	E40
۴۱	برای بسیاری از مردم، مهاجرت به نواحی پیراشهری برای دستیابی به منابع اقتصادی موجود شهر به‌منظور گذران زندگی و تأمین معیشت است. پس تأمین معیشت یکی از عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری به-شمار می‌رود.	E41
۴۲	زمین‌خواری، عاملی در تولید فضا در نواحی پیراشهری است.	E42
۴۳	واگذاری زمین از نواحی پیراشهری به کارمندان دولتی، در تولید انواع فضای صنعتی، سکونتی و... نقش دارد.	E43
۴۴	کالایی‌شدن زمین، از عوامل اصلی تولید انواع فضا، مانند فضای سکونتی، صنعتی و... است.	E44
۴۵	افزایش روزافزون ارزش زمین، عاملی در تغییر کاربری اراضی و تولید فضاهای سکونتی و کارگاهی است.	E45

ادامه جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های مرتبط با عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری
(کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	کد
۴۶	کالای‌شدن منابع طبیعی مانند مرتع، بسترساز تولید فضا در نواحی پیراشهری است.	E46
۴۷	طرح‌ها و برنامه‌های شهرک‌سازی از عوامل اصلی تولید فضای صنعتی به‌شمار می‌روند.	E47
۴۸	مالکان با واگذاری زمین به‌منظور دستیابی به سود بیشتر، در تولید فضاهای سکونتی، صنعتی و خدماتی نقشی مهم دارند.	E48
۴۹	تصدی‌گری دولتی و سیاست‌گذاری‌های غلط در ارائه مجوز به‌صورت غیرمستقیم، در تولید فضا در نواحی پیراشهری نقش دارد.	E49
۵۰	تولید فضا در نواحی پیراشهری، به‌ویژه تولید فضاهای صنعتی، از تصمیم و خواست سرمایه‌گذاران در حوزه صنعت تأثیر پذیرفته است.	E50
۵۱	سازمان‌های رسمی و غیررسمی، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، در تولید فضاهای صنعتی در نواحی پیراشهری تأثیرگذارند.	E51
۵۲	مدیریت ناکارآمد (شهری و روستایی) در تولید انواع فضای صنعتی، سکونتی، خدماتی و... بر نواحی پیراشهری اثری مستقیم دارد.	E52
۵۳	نبود سازوکارهای نظارتی و اجرایی لازم در دستگاه‌های دولتی، بر تولید انواع فضا مانند فضای صنعتی (صنایع مزاحم)، سکونتی (غیررسمی) و مانند این‌ها در نواحی پیراشهری اثرگذار است.	E53
۵۴	عامل اصلی در تولید فضاهای سکونتگاهی غیررسمی، بی‌توجهی و کوتاهی نهادهای دولتی است.	E54
۵۵	ضعف نظام برنامه‌ریزی و نداشتن برنامه کارآمد، به تولید فضاهای سکونتی (زاغه‌نشینی، آونک‌نشینی و...) منجر شده است.	E55
۵۶	بی‌برنامگی سازمان‌های ذی‌ربط، بر تولید انواع فضاهای خدماتی، مسکونی غیررسمی و کارگاهی تأثیر دارد.	E56
۵۷	ضعف قوانین مانند کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها، بر تولید فضاهای غیررسمی تأثیر دارد.	E57
۵۸	نبود قوانین و ابزارهای بازدارنده کافی در تولید فضاهای غیررسمی، عاملی در تولید انواع فضا مانند فضای سکونتی است.	E58
۵۹	گسترده‌گی شهر و سیاست‌های نوسازی، بر تولید فضا در نواحی پیراشهری تأثیر دارد.	E59
۶۰	سیاست‌های توسعه زمین، بر تولید فضا در نواحی پیراشهری اثرگذار است.	E60
۶۱	تولید انواع فضاهای سکونتی، خدماتی، صنعتی و... در نواحی پیراشهری، زمینه‌ساز تولید فضای ارتباطی است که در اغلب موارد ناموزون است و در آن، معابر با اصول و قوانین شهرسازی و راه‌سازی مغایرت دارد.	E61
۶۲	تحولات کلان‌شهری، بر تولید فضای پیراشهری و تولید انواع فضا در این نواحی تأثیرگذار است.	E62
۶۳	کم‌توجهی به زیرساخت‌های روستایی، عاملی مهم در تولید فضای پیراشهری و انواع فضا در نواحی پیراشهری است.	E63
۶۴	نبود امکانات و خدمات مطلوب در نواحی روستایی، از طریق مهاجرت، بر تولید فضا در نواحی پیراشهری اثرگذار است.	E64

ادامه جدول ۳. مفهوم‌سازی داده‌های مرتبط با عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری
(کدگذاری باز)

ردیف	مفهوم	کد
۶۵	قانون ارث و تکه‌تکه‌شدن اراضی بر تولید انواع فضا اثرگذار است.	E65
۶۶	نبود نظارت مؤثر محلی در تولید فضای پیراشهری و خلق انواع فضا در این نواحی (پیراشهری) نقش دارد.	E66
۶۷	خصوصی کردن منابع عمومی در نواحی پیراشهری، در تولید انواع فضا نقش دارد.	E*67

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

در کدگذاری محوری، داده‌ها با هم مقایسه می‌شوند تا پس از کدگذاری باز، پیوند بین مقوله‌ها مشخص شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴). در این کدگذاری، طبقات تشکیل شده گسترش می‌یابند. هر طبقه شامل زیرطبقه‌هایی می‌شود که ارتباط هریک از آن‌ها مشخص شده است. لازمه مرحله کدگذاری محوری، مقایسه دائمی داده‌هاست. پژوهشگر داده‌های کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه می‌کند، آن‌ها را به صورت خوشه‌هایی که با هم تناسب دارند، درمی‌آورد و کدهای مشابه را در یک طبقه قرار می‌دهد (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۶). در این مرحله، کدها تحلیل می‌شوند و آن‌هایی که موضوع مشترک دارند، در قالب مفاهیم جدید قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، در این مرحله مقوله‌های گسترده‌ای به دست می‌آید که هریک خرده‌مفاهیمی دارد. در جدول ۴، نتایج این مرحله شامل ۲۳ مقوله گسترده نشان داده شده است.

جدول ۴. مفاهیم خرد و مقوله‌های استخراج شده مربوط به درک و تفسیر عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری
(کدگذاری محوری)

ردیف	مفاهیم خرد	مقوله‌های گسترده
۱	فرصت‌های شغلی	قدرت اقتصادی
۲	منابع درآمدی متعدد	
۳	تأمین آینده	
۴	کسب و کارهای متنوع	
۵	تمرکز منابع اقتصادی در نواحی پیراشهری	
۶	تغییر اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به اقتصاد مبتنی بر صنعت	سرمایه‌داری
۷	نظام اقتصاد سرمایه‌داری	
۸	سرمایه‌گذاران و گروه‌های قدرتمند مالی	
۹	نظام بازار	
۱۰	دستیابی به سود بیشتر	
۱۱	سیاست‌های مالی و اقتصادی با هدف دسترسی به سرمایه و کسب سود	

* شماره‌های کنار E مربوط به هریک از متخصصان است.

ادامه جدول ۴. مفاهیم خرد و مقوله‌های استخراج‌شده مربوط به درک و تفسیر عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری (کدگذاری محوری)

ردیف	مفاهیم خرد	مقوله‌های گسترده
۱۲	سیاست‌های خاص سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه	
۱۳	تصمیم و خواست سرمایه‌گذاران	
۱۴	مشکلات اقتصادی و ناتوانی مالی روستاییان کم‌درآمد	فقر اقتصادی نواحی روستایی
۱۵	بالابودن امکانات و خدمات شهری	
۱۶	تمرکز مراکز صنعتی و کارگاهی در نواحی پیراشهری	تمرکز امکانات در نواحی پیراشهری
۱۷	سهم‌بری بالای روستاهای پیراشهری از خدمات عمومی	
۱۸	وجود بسترهای اشتغال غیرکشاورزی	اشتغال غیرکشاورزی
۱۹	تنوع‌بخشی در درآمدهای خانوار	
۲۰	قدرت بالای روستاهای نواحی پیراشهری (قدرت سیاسی، مذهبی و خدماتی) از دیگر روستاها	قدرت (سیاسی، مذهبی و خدماتی)
۲۱	گروه‌ها و طبقات اجتماعی	
۲۲	روابط و ارتباطات اجتماعی	گروه‌ها و طبقات اجتماعی
۲۳	گرایش‌ها و تمایلات مردم	
۲۴	حاشیه‌نشینی	
۲۵	مهاجرت روستاشهری	اسکان غیررسمی
۲۶	قدرت بالای فضای پیراشهری در جذب جمعیت	
۲۷	تحصیل فرزندان	
۲۸	افزایش جمعیت	
۲۹	افزایش تقاضای مسکن	افزایش تقاضا برای زمین مسکونی
۳۰	وجود زمین برای توسعه مسکن ارزان	
۳۱	سوءاستفاده دلالان از روند مهاجرتی و قدرت مالی کم مهاجران	
۳۲	نزدیکی به مراکز کاری	
۳۳	نزدیکی به مراکز استانی و مراکز اداری-سیاسی	
۳۴	راه‌های ارتباطی مناسب و دسترسی به راه‌های اصلی	مجاورت و سهولت دسترسی
۳۵	دسترسی به مراکز شهری	
۳۶	دسترسی به خدمات زیربنایی	
۳۷	کاهش بازدهی تولید اراضی زراعی	کاهش رونق فعالیت‌های کشاورزی
۳۸	نبود حمایت‌های مالی در مراحل تولید اراضی کشاورزی	
۳۹	تصاحب زمین و ساخت‌وسازهای غیرمجاز	ساخت‌وسازهای غیرمجاز

ادامه جدول ۴. مفاهیم خرد و مقوله‌های استخراج‌شده مربوط به درک و تفسیر عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری (کدگذاری محوری)

ردیف	مفاهیم خرد	مقوله‌های گسترده
۴۰	تبدیل اراضی کشاورزی و باغی به مسکونی	بالابودن ارزش اقتصادی زمین
۴۱	بالابودن ارزش اقتصادی اراضی کشاورزی	
۴۲	زمین‌خواری	کالایی‌شدن زمین و منابع طبیعی
۴۳	کالایی‌شدن زمین	
۴۴	واگذاری زمین از نواحی پیراشهری به کارمندان از سوی دولت	
۴۵	افزایش ارزش زمین	
۴۶	کالایی‌شدن منابع طبیعی	
۴۷	خصوصی‌کردن منابع عمومی (مانند مرتع)	
۴۸	برنامه‌های شهرک‌سازی	طرح‌های شهرک‌سازی
۴۸	مالکیت زمین	مالکیت
۵۰	تصدی‌گری‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت	تصدی‌گری‌های دولتی
۵۱	دخالت مستقیم و غیرمستقیم سازمان‌های دولتی و غیردولتی	
۵۲	مدیریت ناکارآمد	
۵۳	نبود سازوکارهای نظارتی و اجرایی لازم	مدیریت ناکارآمد و ضعف نظام برنامه‌ریزی
۵۴	ضعف برنامه‌ریزی و نداشتن برنامه کارآمد	
۵۵	بی‌برنامگی سازمان‌های ذی‌ربط	
۵۶	ضعف قوانین	نارسایی قوانین
۵۷	نبود قوانین و ابزارهای بازدارنده کافی	
۵۸	سیاست‌های نوسازی	توسعه فیزیکی شهری
۵۹	سیاست‌های توسعه زمین	
۶۰	گسترده‌گی شهر	
۶۱	تحولات کلان‌شهری	
۶۲	کم‌توجهی به زیرساخت‌های روستایی	نارسایی خدمات عمومی در نواحی روستایی
۶۳	امکانات و خدمات عمومی ناکافی	
۶۴	قانون ارث	
۶۵	بی‌توجهی و کوتاهی نهادهای دولتی	چارچوب‌های قانونی
۶۶	نبود نظارت مؤثر محلی	

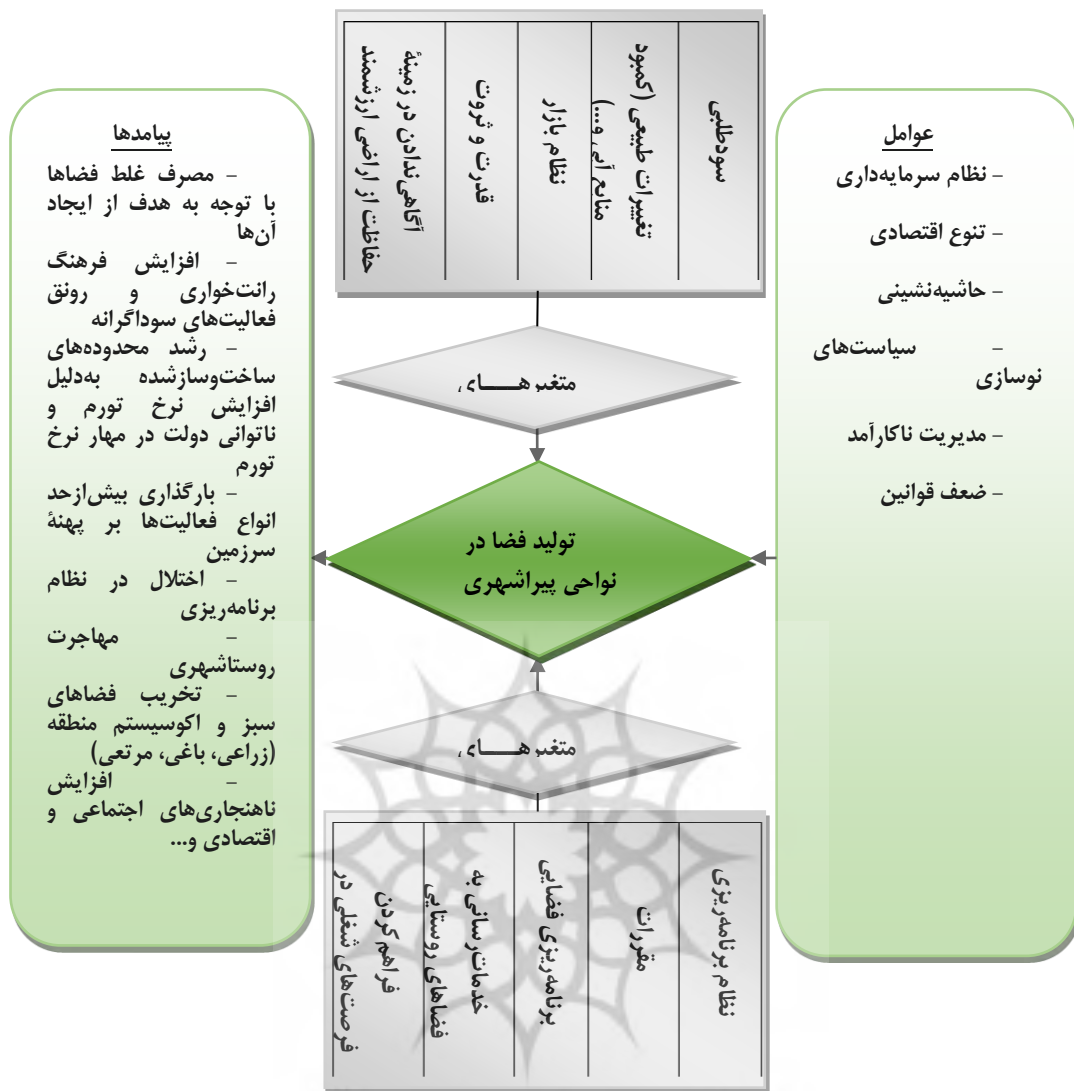
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

کدگذاری انتخابی، به فرایند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش کدگذاری روابط آن‌ها و درج مقوله‌های نیازمند تأیید و توسعه بیشتر توجه می‌کند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴). در این مرحله از پژوهش، جمله‌هایی که

کدگذاری شده بودند، با هم ترکیب می‌شوند تا رابطه‌ای قابل‌درک میان آن‌ها پدید آید (جدول ۵). سپس مدل زمینه‌ای که باید هم‌پوشانی مباحث را دربرگیرد (عوامل تأثیرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه که خروجی گراند تئوری است)، ترسیم می‌شود (شکل ۸).

جدول ۵. مقوله‌های خرد و کلان مربوط به عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری (کدگذاری انتخابی)

مقوله‌های گسترده	مقوله‌های کلان
قدرت اقتصادی	نظام سرمایه‌داری
قدرت (سیاسی، مذهبی، خدماتی)	
تصدی‌گری‌های دولتی	
سرمایه‌داری	
کالایی‌شدن زمین و منابع طبیعی	تنوع اقتصادی
مالکیت	
تمرکز امکانات در نواحی پیراشهری	
اشتغال غیرکشاورزی	
قدرت زیاد روستاهای پیراشهری	حاشیه‌نشینی
قدرت زیاد فضای پیراشهری	
طرح‌های شهرک‌سازی	
گروه‌ها و طبقات اجتماعی	
اسکان غیررسمی	سیاست‌های نوسازی
افزایش تقاضا برای زمین مسکونی	
مجاورت و سهولت دسترسی	
کاهش رونق فعالیت‌های کشاورزی	
فقر اقتصادی نواحی روستایی	مدیریت ناکارآمد
نارسانی خدمات عمومی در نواحی روستایی	
ساخت‌وسازهای غیرمجاز	
بالا بودن ارزش اقتصادی زمین	
توسعه فیزیکی شهر	ضعف قوانین
تحولات کلان‌شهری	
مدیریت ناکارآمد و نبود نظارت مؤثر	
ضعف نظام برنامه‌ریزی	
نارسانی زیرساخت‌های روستایی	چارچوب‌های قانونی
نارسانی قوانین	



شکل ۸. چارچوب زمینه‌ای عوامل تأثیرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه

براساس نتایج مصاحبه‌ها و دست‌نوشته‌های جمع‌آوری‌شده، مؤلفه‌های زیر از جمله عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری هستند: فرصت‌های شغلی، منابع درآمدی متعدد، گروه‌ها و طبقات اجتماعی، صنایع، کارگاه‌ها، تمرکز انواع امکانات در روستاهای پیرامون، حاشیه‌نشینی، حاصلخیزی اراضی روستاهای واقع در شعاع ۱۵ کیلومتری، خریدوفروش زمین، سرمایه‌گذاری در بخش املاک و مستغلات، قدرت و ثروت، تراکم جمعیت، روابط و مناسبات اجتماعی، دستیابی به خدمات رفاهی و اجتماعی، نزدیکی به مراکز اداری-سیاسی و مرکز استان، طرح‌های شهرک‌سازی، تبدیل اراضی کشاورزی به سکونت، تصاحب زمین و ساخت‌وسازهای غیرقانونی، واگذاری فضاهای کشاورزی به مردم برای دستیابی به سود بیشتر، بازار زمین برای انباشت سرمایه و توسعه، بی‌برنامگی سازمان‌های ذی‌ربط، نبود نظارت مؤثر، مالکیت زمین (واگذاری اراضی توسط مالکان زمین با توجه به افزایش قیمت اراضی)، کالایی‌شدن زمین و غیره.

پس از بررسی تمامی مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، درنهایت ۶۶ مفهوم خرد در قالب ۲۷ مقوله گسترده به‌دست آمد که در

۶ مقوله کلان (جدول ۵) طبقه‌بندی شدند. تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه، از بعضی سازوکارها و عوامل تأثیر پذیرفته است. در واقع، عوامل مذکور از جمله نظام سرمایه‌داری، تنوع اقتصادی، حاشیه‌نشینی، سیاست‌های نوسازی، مدیریت ناکارآمد و ضعف قوانین (نظیر کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها)، در تولید فضا در نواحی پیراشهری نقشی تعیین‌کننده دارند. به این ترتیب که نیاز به رفع مشکلات اقتصادی از طریق یافتن شغل، نیاز به ثروت و درآمد بیشتر، استفاده بهتر از زمین برای کسب سود، غارت منابع طبیعی به منظور کسب درآمد و سود بیشتر، استفاده از قدرت سیاسی، مذهبی و پولی برای بهره‌مندی از خدمات، نیاز به تحصیل فرزندان به منظور بقا در دنیای جدید، استفاده از امکانات و خدمات موجود در نواحی پیراشهری، ضعف قوانین و... شالوده‌های اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه هستند. کارشناسان سازمان‌های مختلف، عوامل استخراج‌شده را وزن‌دهی کردند تا مشخص شود کدام‌یک از این عوامل تأثیرگذار، بیشتر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری محدوده مورد مطالعه مؤثرند. براساس نتایج، ضعف قوانین (با ضریب ۰/۲۲۸)، نظام سرمایه‌داری (با ضریب ۰/۱۹) و مدیریت ناکارآمد (با ضریب ۰/۱۶۷) به ترتیب با رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ بیشترین تأثیر را بر پدیده تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه دارند. همچنین حاشیه‌نشینی (۰/۱۵۱) که بازخورد و دستاورد نیروهای اقتصادی و سیاسی است، با رتبه ۴ بر این پدیده تأثیرگذار است (جدول ۶). مطابق جدول، ضعف قوانین، نظام سرمایه‌داری، مدیریت ناکارآمد و ضعف نظام برنامه‌ریزی بالاترین رتبه‌ها را دارند.

به دلیل برخی قوانین ضعیف سازمان‌های شهری از جمله شهرداری‌ها، ساکنان محدوده پیراشهری ارومیه به ساخت‌وساز غیرقانونی روی آورده‌اند. از جمله این قوانین، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌هاست. یکپارچه‌نبودن نهادها زمینه‌ساز شکل‌گیری عملکردها و مقررات مجزا در برخورد با اکوسیستم شده است؛ برای مثال، فقط شهرداری یا کمیسیون ماده ۱۳، به تولید فضا و تغییر کاربری و توسعه ساخت‌وسازها نمی‌پردازند، بلکه وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان زمین‌شهری، سازمان حفاظت محیط‌زیست و... هم این کار را انجام می‌دهند. چنین مواردی سبب شده است تا ضعف قوانین در میان عوامل مذکور رتبه بالایی داشته باشد.

جدول ۶. وزن‌دهی عوامل اثرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه

رتبه	وزن	عامل
۱	۰/۲۲۸	ضعف قوانین
۲	۰/۱۹	نظام سرمایه‌داری
۳	۰/۱۶۷	مدیریت ناکارآمد
۴	۰/۱۵۱	حاشیه‌نشینی
۵	۰/۱۴	سیاست‌های نوسازی
۶	۰/۱۲۴	تنوع اقتصادی

به منظور تأیید عوامل مؤثر بر تولید فضا - که از مصاحبه‌ها (به ترتیب رتبه‌بندی جدول ۶) و تطبیق آن با واقعیت‌هایی از طریق تصاویر ماهواره‌ای به دست آمد - توضیحات زیر ارائه می‌شود:

۱. ضعف قوانین: براساس بررسی‌ها، بعضی قوانین سازمان‌های شهری از جمله شهرداری‌ها ضعیف است و به همین دلیل، ساکنان محدوده پیراشهری ارومیه به ساخت‌وساز غیرقانونی روی آورده‌اند. از جمله این قوانین، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌هاست که به موجب آن، «در صورت ساخت‌وسازهای غیرقانونی، شهرداری‌ها می‌توانند بدون تخریب واحد مربوط، نسبت به اخذ جریمه از سازندگان غیرقانونی آن واحدها اقدام نمایند».

۲. نظام سرمایه‌داری: بررسی‌های میدانی و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در محدوده مورد مطالعه، مشخصه‌های نظام سرمایه‌داری اعم از کالایی‌شدن زمین و مسکن و منابع طبیعی رایج شده است؛ برای مثال، براساس مصاحبه با بنگاه‌ها و مشاوران املاک و مشاهده میدانی، متوسط قیمت زمین در محدوده اطراف شهر ارومیه تا شعاع ۵ کیلومتری شهر ارومیه بر جاده سلماس، جاده نرده و مهاباد در سال ۷۵، متری ۲۰۰ هزار تومان، در سال ۱۳۸۵ متری ۱ میلیون تومان و در سال ۹۵ متری ۳ میلیون تومان بوده است. همچنین در ارومیه بر جاده اشنویه، قیمت زمین در سال ۷۵ متری ۲۰۰ هزار تومان، در سال ۸۵ متری ۹۰۰ هزار تومان و در سال ۹۵ متری ۲ میلیون تومان بوده که این مسئله نشان‌دهنده رشد قیمت املاک است. باید توجه داشت که خود نظام سرمایه‌داری، بستر ساز ناکارآمدی مدیریت است.

۳. مدیریت ناکارآمد: نتایج مطالعات میدانی و اسناد طرح جامع شهر ارومیه نشان می‌دهد طی دهه‌های اخیر، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، حاشیه‌نشینی، تخریب بی‌قاعده اراضی زراعی و... افزایش یافته است؛ به طوری که تا پایان سال ۱۳۹۵، حدود ۲۵۰۰ هکتار حاشیه‌نشینی رخ داده است. در حالی که قوانینی برای کنترل این شرایط موجود است، ضعف نظارت و ناکارآمدی مدیریت شهری به چنین رشد کالبدی و تخریب پوشش سبز پیراشهری منجر شده است. مدیریت ناکارآمد نبود نظارت مؤثر، یکی از ضعف‌های نظام برنامه‌ریزی است. با توجه به مصاحبه با مسئولان ذی‌ربط، عواملی مانند گستردگی سکونتگاه‌های غیررسمی، نبود نظارت مؤثر و موازی‌کاری بین سازمان‌های دولتی، بهره‌بردن از سازوکارهای مشارکتی و خرد جمعی و نداشتن برنامه کارآمد، نشانگر ضعف نظام برنامه‌ریزی است. یافته‌های حاصل از تصاویر ماهواره‌ای نیز بیانگر این امر است؛ به طوری که به دلیل برنامه‌های ناکارآمد و ضعف‌های نظام برنامه‌ریزی در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۳، حدود ۱۵۹۳/۸۵ هکتار از فضاهای سبز (کشاورزی، باغی، مرتعی و جنگلی) به فضاهای مسکونی تبدیل شده است. باید توجه داشت که مدیریت ناکارآمد و ضعف نظام برنامه‌ریزی در کنار سیاست‌های نوسازی، سبب ساخت‌وسازهای غیرمجاز و حاشیه‌نشینی در نواحی پیراشهری و تولید فضا می‌شود.

۴. حاشیه‌نشینی: روستاها در گذشته تولیدکننده بودند و کشاورزی رونق مناسبی داشت، اما از حدود ۲۰ الی ۲۵ سال پیش، روستاییان که به مصرف‌کننده منابع شهری تبدیل شده بودند، به این مناطق مهاجرت کردند. دلایل این مهاجرت‌ها عبارت‌اند از: فرصت‌های شغلی، منابع درآمدی متعدد در نواحی پیراشهری، نزدیکی به مرکز استان، همچنین وجود صنایع، کارگاه‌ها، تمرکز انواع امکانات در روستاهای پیرامون و حاشیه شهر. سکونت روستاییان در شهرها به حاشیه‌نشینی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های نابسامان و غیررسمی منجر شد. این سکونتگاه‌ها در سال جاری (۱۳۹۵) حدود ۲۵۰۰ هکتار از اراضی نواحی پیراشهری ارومیه را به خود اختصاص دادند.

۵. سیاست‌های نوسازی: بررسی توسعه فیزیکی شهر در ادوار تاریخی، براساس طرح جامع شهر ارومیه، افزایش تولید فضا را در فاصله سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۳ تأیید می‌کند. براساس مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی و همچنین تمایلات سودطلبانه و بهره‌کشی از منابع زمینی درمی‌یابیم که سیاست‌گذاری‌های غلط در ارائه مجوز، به ساخت‌وسازهای غیرمجاز و پرسود منجر شده است. گروه‌ها و طبقات قدرتمند مالی برای بهره‌کشی و سودجویی بیشتر، ساخت‌وسازهای غیرمجاز انجام می‌دهند؛ به طوری که این امر طی دهه‌های اخیر افزایش یافته است. از دیدگاه کارشناسان، ساخت‌وسازهای غیرمجاز در اغلب موارد به دلیل وجود تنوع اقتصادی در نواحی پیراشهری انجام می‌گیرد.

۶. تنوع اقتصادی: به دلیل مسائل اقتصادی از جمله فرصت‌های شغلی، بسترهای اشتغال غیرکشاورزی، منابع درآمدی متعدد، صنایع و کارگاه‌ها، تمرکز انواع امکانات و فعالیت‌ها در نواحی پیرامونی شهر ارومیه به تولید انواع فضاهای صنعتی، ارتباطی و خدماتی منجر می‌شود؛ برای مثال، براساس تصاویر ماهواره‌ای، فضاهای صنعتی در فاصله سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۳ حدود ۴۷۳۶/۷۳ هکتار افزایش داشته است. تحقق فعالیت‌های اقتصادی در نواحی پیرامون شهر ارومیه، به تدریج سبب گسترده‌گی شهری می‌شود و به تولید فضا می‌انجامد. طرح‌های شهرک‌سازی در قالب مقوله کلان تنوع اقتصادی، از عوامل مؤثر بر تولید فضا در نواحی پیراشهری ارومیه به‌شمار می‌رود. براساس مصاحبه با کارشناسان سازمان صنعت و معدن استان آذربایجان غربی، شهرک صنعتی فاز ۱ ارومیه به مساحت ۳۷ هکتار، ۳۴ هکتار زمین صنعتی دارد. این مساحت در فاز ۲ شهرک صنعتی ارومیه ۱۸۶ هکتار افزایش یافته است که از این مقدار حدود ۱۰۸ هکتار زمین صنعتی است. به همین ترتیب، متراژ مساحت کل شهرک صنعتی و زمین صنعتی مربوط به آن در فاز ۳ شهرک صنعتی بیشتر شده است؛ یعنی شهرک صنعتی فاز ۳ با ۷۳۱ هکتار مساحت کل، ۳۴۰ هکتار زمین صنعتی را به خود اختصاص داده است. این مطالب نشانگر آن است که نواحی پیراشهری ارومیه از نظر فضاهای صنعتی، در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۳ افزایش یافته است.

با توجه به عوامل تأثیرگذار بر تولید فضا در نواحی پیراشهری، می‌توان گفت فضا محصول نیروهای ایدئولوژیک، اقتصادی، سیاسی (قلمرو قدرت) و اجتماعی است که نظام سرمایه‌داری - به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا - بر مبنای آن بازسازی و بازتولید شده است. همچنین نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که اغلب فضاهای تولیدشده در نواحی پیراشهری، متناسب با اهداف در نظر گرفته‌شده برای آن فضا مصرف نشده است. مصاحبه‌شوندگان، عامل اصلی مصرف غلط فضا را «نبود برنامه‌ریزی مطلوب» می‌دانند. می‌توان برنامه‌ریزی مطلوب را کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان‌یافته سازمان‌های دولتی و غیردولتی دانست که با مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها از پایین به بالا برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلفی مانند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فضایی و... صورت می‌گیرد.

نتایج این بخش، گرایش‌های سوداگرانه و رانت‌جویانه را در نواحی پیراشهری نشان می‌دهد؛ یعنی ساکنان فضاهای روستایی به‌ویژه روستاهای دوردست، برای دستیابی به انواع امکانات و خدمات، فرصت‌های شغلی بیشتر و منابع درآمدی متعدد، تأمین نیازهای اساسی خود و دستیابی به مراکز سیاسی و اداری، به نواحی پیراشهری که برخوردگاه شهر و روستا محسوب می‌شود، مهاجرت می‌کنند و ناخودآگاه سبب تولید فضا در این نواحی می‌شوند. سرمایه‌گذاران و گروه‌های

قدرتمند مالی نیز از وضعیت پیش آمده برای دستیابی به سود بیشتر و با بهره‌کشی از زمین و منابع طبیعی بهره‌گرفته‌اند و بستر تولید انواع فضا (مسکونی، صنعتی، خدماتی، ارتباطی و...) را فراهم کرده‌اند. در پرتو مطالب ذکرشده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در شرایط کنونی، زیستن در فضای پیراشهری (فضایی که از ترکیب پیچیده و درهم‌تنیده‌ای از فاکتورهای چندگانه اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، ذهنی و اجتماعی، از سوی نیروهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تولید شده است)، بسترساز تولید انواع فضاهایی است که نه تنها در اغلب موارد، متناسب با اهداف به مصرف نرسیده است، بلکه پیامدهای آن زمینه ناپایداری در این نواحی را رقم زده است؛ به طوری که امروزه با تولید روزافزون انواع فضا در نواحی پیراشهری، این نواحی به سمت کالایی شدن پیش می‌روند. همچنین این نواحی به‌مثابه کالای مصرفی، برای فروش تفکیک و تقسیم می‌شوند و به کارکردهای خاصی مانند فضای سکونتی غیررسمی، صنعتی، خدماتی و ارتباطی اختصاص می‌یابند.

نتیجه‌گیری

از روزگاران قدیم، اقدام بشر درباره فضا (مفهومی جغرافیایی و تولیدی-اجتماعی) تنها منحصر به شناخت آن نبوده است، بلکه او فضا را درک کرده، در فضا به وجود آمده و درباره آن تفکر کرده است. با این حال، برای بیان انسجام دنیای خود به صورت تصویری واقعی از جهان، دست به تولید فضا زده است. از جایی به بعد، تولید فضا، یکپارچگی تولید ارزش اضافی و به دست آوردن سود بیشتر امکان‌پذیر شد. سپس بشر حوزه‌های اطراف خود را به صورت مستعمره درآورد و آن‌ها را وابسته به مرکز ساخت؛ بنابراین، گستردگی شهری، تأمین نیازها، دسترسی‌پذیری، سودطلبی و... به خلق فضای پیراشهری انجامید و این فضا نیز به نوبه خود، با تأثیرپذیری از عوامل گوناگون، بسترساز تولید انواع فضا در نواحی پیراشهری شد.

اینکه چه عوامل و سازوکارهایی سبب تولید فضا در نواحی پیراشهری شده‌اند، پرسشی است که در مورد همه فضاهای جغرافیایی مطرح است؛ بنابراین، پژوهش حاضر برای رسیدن به پاسخ این پرسش انجام گرفت. برای پاسخگویی به پرسش مذکور، ابتدا با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای در سری‌های زمانی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۳ که نواحی پیراشهری در ارومیه شاهد بیشترین تحولات فضایی بود، فضاهای تولیدشده شناسایی شدند. بعد از بررسی، تصاویر در پنج کلاس فضای مسکونی، صنعتی، ارتباطی، سبز (زراعی، باغی، مرتعی و جنگلی) و فضای خالی و بایر طبقه‌بندی شدند. این واکاوی‌ها نشان می‌دهد فضاهای سکونتی و صنعتی که با مصرف فضاهای سبز (زراعی، باغی، مرتعی و جنگلی) و فضاهای خالی تولید شده‌اند، بیشترین وسعت را دارند. عمده فضای تولیدشده سکونتی با ۳۰۶۹/۲۸ هکتار (۲۴/۴۴۸ درصد) مساحت به صورت فضای سکونتی غیررسمی نمایان شد که ضمن مصرف فضاهای خالی، به تخریب فضاهای سبز انجامید. در راستای تولید فضاهای سکونتگاهی، فضاهای صنعتی (۳/۷۸۷ درصد) و ارتباطی (۰/۰۱۴۸ درصد) نیز با افزایش تولید همراه بودند. در کنار فضاهای ذکرشده، فضاهای سبز و خالی نه تنها افزایش تولید نداشتند، بلکه بازه مورد بررسی (۱۳۸۰-۱۳۹۳) به ترتیب با ۴۷۳۶/۷۳ (۳۷/۷۳۰ درصد) و ۴۲۷۲/۵۲ (۳۴/۰۳۱) هکتار، روند کاهشی را پیمود.

فضا مفهومی جغرافیایی و تولیدی-اجتماعی در جهت دستیابی به سود و تأمین نیازهای اساسی انسان است که

در نتیجه کنش بازیگران اجتماعی، همه عرصه‌های حیات انسانی، اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع، طبیعت و... را در برمی‌گیرد. همچنین زمینه‌ساز تولید انواع مختلف فضا مانند تولید فضای متریک (فضای فیزیکی)، تولید و بازتولید روابط اجتماعی و فضای روابط تولیدی (تقسیم کار) به‌شمار می‌آید که از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. در تولید فضاهای مورد بررسی، عوامل متعددی در کنار برداشت‌ها نقش‌آفرین هستند و از جمله سازوکارهای حاکم بر تولید فضا به‌شمار می‌روند. این عوامل عبارت‌اند از: باورها و عقاید، ایدئولوژی‌ها، ویژگی‌های فرهنگی، سطح آگاهی، شیوه اندیشیدن، فرصت‌های شغلی، منابع درآمدی متعدد، مجاورت و سهولت دسترسی، تراکم جمعیت، قدرت نواحی پیراشهری در جذب جمعیت، نظارت‌نداشتن و کنترل ناکارآمد نهادهای دولتی، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، تبدیل اراضی کشاورزی به سکونت و خدماتی، قانون ارث، گروه‌های قدرتمند مالی و سرمایه‌گذاران، مشکلات اقتصادی در نواحی روستایی، سیاست‌های مالی و اقتصادی با هدف دسترسی به سرمایه و کسب سود، مراکز صنعتی و کارگاهی در نواحی پیراشهری، نبود قوانین و ابزارهای بازدارنده کافی و... .

براساس تحلیل، عواملی از جمله تنوع اقتصادی، حاشیه‌نشینی، سیاست‌های نوسازی، مدیریت ناکارآمد، ضعف قوانین (نظیر کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها) و نظام سرمایه‌داری - که در چارچوب مکتب اقتصاد سیاسی فضا مطالعه می‌شود - مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نواحی تولید فضا در نواحی پیراشهری هستند. در میان عوامل مذکور، عوامل قانونی، سرمایه‌داری و مدیریتی بالاترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج مطالعات میدانی و اسناد طرح جامع شهر ارومیه نشان می‌دهد طی دهه‌های اخیر، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، حاشیه‌نشینی، تخریب بی‌قاعده اراضی زراعی و نظایر آن‌ها افزایش یافته است؛ به طوری که تا پایان سال ۱۳۹۵، حدود ۲۵۰۰ هکتار حاشیه‌نشینی صورت گرفته است؛ به طوری که علی‌غم وجود قوانین کنترل‌کننده، ضعف نظارت و ناکارآمدی مدیریت شهری به چنین رشد کالبدی و تخریب پوشش سبز پیراشهری انجامیده است.

به دلیل وجود عوامل شش‌گانه استخراج‌شده، فضاها در نواحی پیراشهری برای تأمین نیازهای اساسی و سود بیشتر، متناسب با اهداف در نظر گرفته شده به مصرف نرسیده‌اند که این رویه پیامدهای منفی زیادی داشته است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: افزایش مهاجرت‌های روستاشهری، افزایش نرخ تورم و ناتوانی دولت در مهار آن، اختلال در نظام برنامه‌ریزی، بارگذاری بیش از حد انواع فعالیت‌ها بر پهنه این بخش از سرزمین، تولید انبوه انواع فضا، انباشت سرمایه، کالایی شدن زمین، افزایش فرهنگ رانت‌خواری، تخریب فضاهای سبز (زراعی، باغی، مرتعی)، بهره‌کشی از منابع طبیعی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی، مؤلفه‌های فضایی حاصل از نظام سرمایه‌داری از جمله سوداگری در تولید فضا و به تبع آن جدایی‌گزینی‌های فضایی و غیره. این عوامل همگی سبب ناپایداری نواحی پیراشهری شده‌اند؛ به طوری که امروزه نواحی پیراشهری با دخل و تصرف برای فروش به‌مثابه یک کالای مصرفی، تفکیک و تقسیم می‌شوند.

نتایج این مطالعه، گرایش‌های سوداگرانه و رانت‌جویانه را در نواحی پیراشهری آشکار می‌کند. چه بسا تداوم این روند، خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم طبیعی منطقه وارد کند؛ بنابراین، می‌توان گفت نواحی پیراشهری، سنگر محکم نظام سرمایه‌داری به‌شمار می‌آیند. راهبردهای زیر براساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- طراحی سازوکارهای مناسب نظارتی برای حفاظت از اکوسیستم‌های سبز و پیشگیری از تولید فضاهای سودمحور؛
- گسترش خدمات و امکانات مختلف به همه نقاط شهرستان در راستای کنترل مهاجرت ساکنان روستاهای مجاور به فضاهای پیرامون شهر ارومیه؛
- بازنگری و اصلاح پاره‌ای از مقررات برای حفاظت از حریم و پوشش سبز پیرامون شهر ارومیه (مانند کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها)؛
- حمایت از رونق کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی پایدار به منظور پیشگیری از هجوم سرمایه‌داران به ساخت‌وساز و سوداگری در فضاهای باارزش طبیعی پیراشهری؛
- بازنگری در برنامه‌های ساماندهی حریم شهر ارومیه با تأکید بر حفظ ارزش‌های اکولوژیکی و منابع طبیعی؛
- تغییر رویکرد نظام مدیریت و برنامه‌ریزی در شهر ارومیه از طریق توسعه سازوکارهای مشارکتی و استفاده از خرد جمعی در توسعه شهری و منطقه‌ای؛
- توسعه رویکردهای جایگزین سرمایه‌داری با تأکید بر الگوهای اجتماع‌محور و اقتصادهای پایدار در نواحی پیراشهری ارومیه.



منابع

- ادیب حاج‌باقری، محسن، پرویزی، سرور و مهوش صلصالی (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق کیفی*، انتشارات بشری، تهران.
- افراخته، حسن و محمد حجی‌پور (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۸۷-۱۱۰.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، *فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران*، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- امیری، نادر و آرش رضاپور (۱۳۹۱)، «هنری لفور و تولید اجتماعی فضا»، مجله فرهنگ رسانه، سال اول، شماره ۴، صص ۱-۱۶.
- ایمانی شاملو، جواد، رفیعیان، مجتبی و هاشم داداش‌پور (۱۳۹۵)، «سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحلیل تحولات فضایی کلان‌شهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۳۵.
- برک‌پور، ناصر، اسدی، ایرج و میثم بصیرت (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی حریم و تجربیات جهانی برنامه‌ریزی و مدیریت آن»، دوماهنامه شهرنگار، سال نوزدهم، شماره ۵۶ و ۵۷، صص ۱۷-۳۸.
- پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «شناخت محتوای فضای شهری»، نشریه هنرهای زیبا، دوره یکم، شماره ۱۱، صص ۴۱-۴۹.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجرودی (۱۳۹۰)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، انتشارات سمت، تهران.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، «محیط، فضا و توسعه؛ بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی-شهری»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره بیست و نهم، شماره ۱۳۱، صص ۳-۱۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۶)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- جلالیان، حمید و همکاران (۱۳۹۲)، «تحلیل خزش شهری و تحولات کاربری اراضی (مطالعات تطبیقی شهرهای ارومیه و اصفهان)»، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۳-۹۸.
- حاتمی‌نژاد، حسین و ناصر عبدی (۱۳۸۶)، «اقتصاد سیاسی و فضای شهری»، مجله سیاسی-اقتصادی، سال ۶، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸، صص ۱۹۶-۲۰۵.
- دانشپور، زهره (۱۳۸۵)، «تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیراشهری؛ کوششی در استفاده از رهیافت برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در تهران»، نشریه هنرهای زیبا، دوره بیست و هشتم، شماره ۲۸، صص ۵-۱۴.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴)، «تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»، دوماهنامه دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، شماره ۱۱، صص ۵۷-۷۰.
- دلفوس، الیویه (۱۳۷۴)، *فضای جغرافیایی*، ترجمه سیروس سهامی، چاپ دوم، نشر نیکا، مشهد.
- رهنما، محمدرحیم و جواد ذیحی (۱۳۹۰)، «تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره نهم، شماره ۲۳، صص ۵-۲۶.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۲)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله صفوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ نهم، نشر نی، تهران.
- مبارکی، امید، محمدی، جمال و اصغر ضرابی (۱۳۹۲)، «ارائه الگوی بهینه‌گسترش کالبدی-فضایی شهر ارومیه»، مجله جغرافیا و توسعه، دوره یازدهم، شماره ۳۲، صص ۷۵-۸۸.

محملی ایبانه، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن، براساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا»، مجله آرمان شهر، دوره چهارم، شماره ۷، صص ۱۵۹-۱۷۱.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *فراروش بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، چاپ سوم، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.

نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۵۳)، *هستی، فضا و معماری*، ترجمه حسن حافظی، انتشارات تهران، تهران.

Babbie, E. (2002), *The Basics of Social Research*, 2nd Edition, Belmont, C. (Ed.), Wadsworth/Thomson Learning, London.

Buxton, M. et al. (2008), *Planning Sustainable Futures for Melbourne Peri-Urban Region*, RMIT University and Melbourne.

Castells, M. (1977), *The Urban Question*, the MIT Press, Cambridge.

Cohen, G. (1978), *Karl Marx's Theory of History*, Oxford University Press, Oxford.

Cuthbert, A. R. (2006), *The Form of Cities: Political Economy and Urban Design*, Wiley Blackwell, New York.

Dávila, J. D. (1999), *A Review of Policies and Strategies Affecting the Peri-Urban Interface, Strategic Environmental Planning and Management for the Peri-Urban Interface Research Project*, Development Planning Unit (DPU) University College, London.

Harold, C. (1989), *The Study of Urban Geography*, 3rd Edition, It's available on <http://www.iribnews.ir/NewsText.aspx?ID=1657118>

Harvey, D. (1998), *The Role of Planning in Capital Societies (Athari, K. Trans)*, Architecture and Urbanism, Vol. 7, No. 45/46: 73-75.

----- (1988), *Social Justice and the City*, Published in London, Edward Arnold, The University of Georgia Press, London.

Lefebvre, H. (1976), *The Survival of Capitalism*, St. Martin Press, New York.

Lefebvre, H. (2009), *State, Space, World, Selected Essays*, Edited by Neil Brenner and Stuart Elden, Translated by: Moore, G., Brenner, N., and Stuart, E., University of Minnesota Press, Minneapolis, London.

----- (1976), *The Survival of Capitalism*, St. Martin Press, New York.

Marshall, F. et al. (2009), *On the Edge of Sustainability: Perspectives on Peri-Urban Dynamics*, STEPS Working Paper 35, STEPS Centre, Brighton.

Adib Hajbagheri, M., Parvizi, S., and Salsali, M. (2007), *Qualitative Research Methods*, 2nd Edition, Boshra Publishing, Tehran. (In Persian)

Afrakhteh, H., and Hajipour, M. (2015), *Political Economy of Space and Regional Equilibrium of Iran*, Space Economics and Rural Development Journal, Vol. 4, No. 4: 87-110. (In Persian)

Afrough, E. (1998), *Space and Social Inequality: Study of Spatial Separation and the Concentration of Poverty in Residential Neighborhoods of Tehran*, PhD in Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian)

Amiri, N., and Rezapour, A. (2012), *Henry Lefebvre and Social Production of Space*, Media Culture Journal, Vol. 1, No. 4: 1-16. (In Persian)

Borekpour, N., Asadi, I., and Basirat, M. (2010), *Typology of Privacy and Global Experiences*

- in Planning and Managing*, Shahr-Negar's Two-Letter Paper, Vol.19, No. 56/57: 17–38. (In Persian)
- Daneshpour, Z. (2006), *Analysis of Spatial Inequality in Peri-Urban Environments: An Attempt to Use Strategic Planning and Management Approach in Tehran*, Fine Arts, Vol. 28, No. 28: 5–14. (In Persian)
- Dananifard, H. (2005), *Theorization Using a Deductive Approach: The Conceptualization Strategy Grounded Theory*, Shahid Beheshti University Journal, Vol. 12, No. 11: 57–70. (In Persian)
- Dolphos, O. (1995), *Geographical Space*, Translated by: Sahami, S., 2nd Edition, Nika Publishing, Mashhad. (In Persian)
- Hataminejad, H., and Abdi, N. (2007), *Political Economy and Urban Space*, Economic Policy Journal, Vol. 6, No. 237/238: 196–205. (In Persian)
- Imani Shamloo, J., Rafieian, M., and Dadashpour, H. (2016), *Urban Propaganda and Spatial Divergence Analysis of Spatial Transformations of Tehran Metropolis Based on Oil Economy*, Geopolitics Journal, Vol. 12, No. 1: 104–135. (In Persian)
- Jalalian, H. (2013), *Urban Creep Analysis and Land Use Change (Comparative Study of Urmia and Isfahan)*, Spatial-Physical Planning Journal, Vol. 2, No. 4: 79–98. (In Persian)
- Katouzian, M. A. (2003), *Iran's Political Economy from Constitution to the End of the Safavi Dynasty*, Translated by: Nafisi, M. R., and Azizi, K., 9th Edition, Ney Publishing, Tehran. (In Persian)
- Mobaraki, O., Mohammadi, J., and Zarabi, A. (2013), *Presentation Optimal Physical-Spatial Pattern of Urmia*, Geography and Development Journal, Vol. 11, No. 32: 75–88. (In Persian)
- Mohamli Abyane, H. R. (2011), *Comparative Comparison Urban Morphology Studies in Order to Complete it Based on the Analytical System of the Political Economy of Space*, Arman-Shahr Journal, Vol. 4, No. 7: 159–171. (In Persian)
- Mohammadpour, A. (2010), *Meta-Method Philosophical and Practical Foundations Mixed Research Method in Social and Behavioral Sciences*, 3rd Edition, Sociologists Publishing, Tehran. (In Persian)
- Norberg-Schulz, Ch. (1974), *Being, Space and Architecture*, Translated by: Hafezi, H., Tehran Publishing House and Bookstore. (In Persian)
- Parsi, H. R. (2002), *Recognition of Urban Space Content*, Fine Arts, Vol. 1, No. 11: 41–49. (In Persian)
- Papeli Yazdi, M. H., and Rajabi Sanaajerdi, H. (2011), *Theories of the City and the Periphery*, Samt Publishing, Tehran. (In Persian)
- Rahnama, M., and Zabihi, J. (2011), *Analysis of the Distribution of Urban Public Facilities for Spatial Justice with Integrated Access Model in Mashhad*, Journal of Geography and Development, Vol. 9, No. 23: 5–26. (In Persian)
- Sa'idi, A. (2010), *Environment, Space and the Development of a Discussion on the Necessity of Integrated Rural-Urban Development*, Housing and Rural Environment Journal, Vol. 29, No. 131: 3–12. (In Persian)
- Shakoui, H. (2007), *New Thoughts in Geography Philosophy*, Vol. I, 9th Edition, Gitashenasi Publishing, Tehran. (In Persian)